



مرکز تحقیقات اسلامی

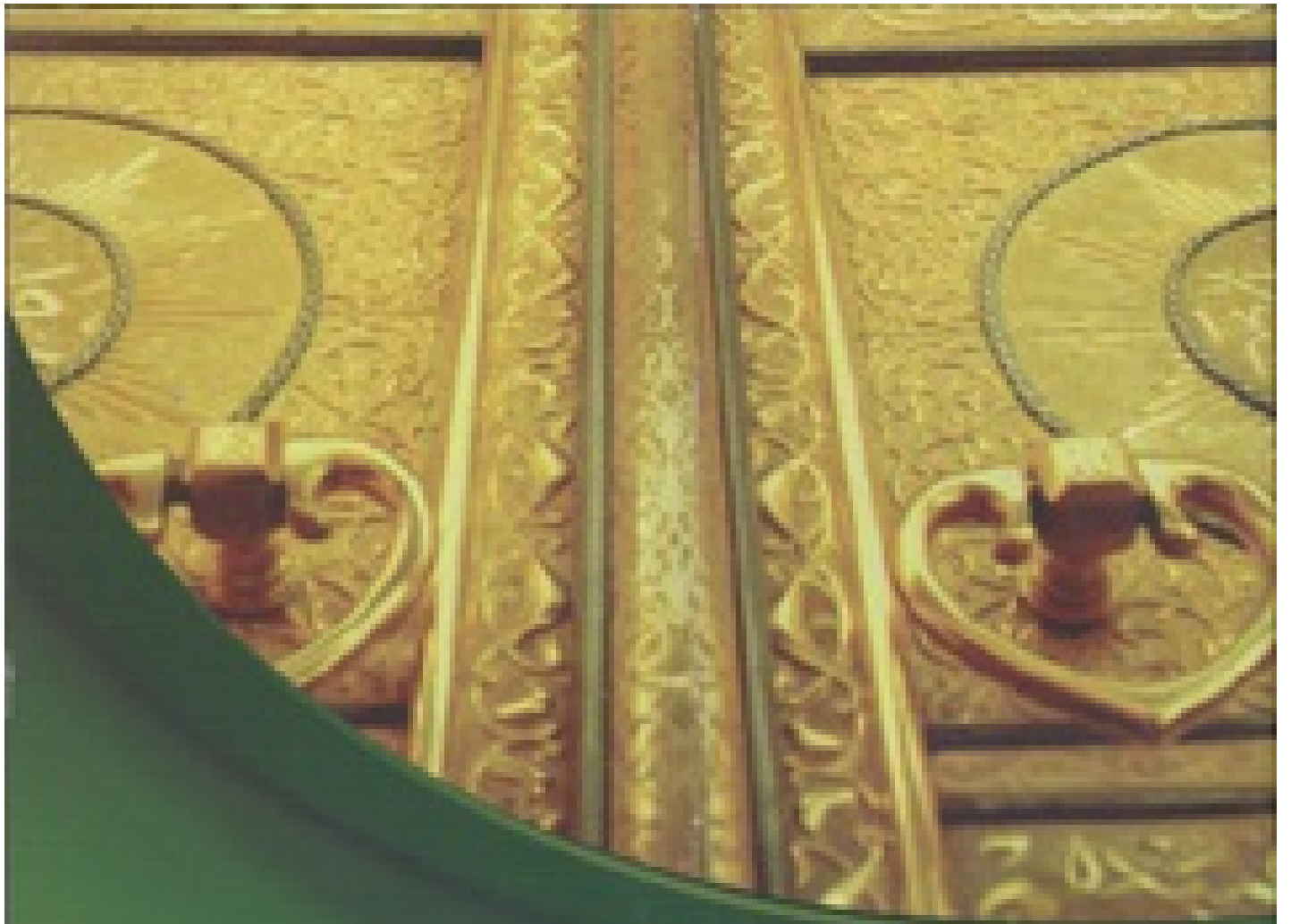
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



حضرت محمد پر
کلمہ مبارک

نہجہ نجاتی بہ دیرینت و کار آفرینی

پلس کورس فریڈنس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

علی کرمی فریدنی

ناشر چاپی:

نسیم انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	نمایه
۱۳	دانش و هنر مدیریت و کارآفرینی
۱۵	اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی
۲۳	نگاهی به اندیشه و منش مترقی بانوی آزادی
۲۷	تفسیر و تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار
۲۹	برترین زنان روزگاران
۲۹	اشاره
۲۹	۱. مدافع حقوق کودک و کرامت بشر
۳۰	۲. پا به پای مسیح برای افشاندن بذر مهر و مدار
۳۱	۳. شریک دغدغه‌های پیامبر صلح و آزادی
۳۳	۴. سالار زنان عصرها و نسل‌ها
۳۴	راز اوج این زنان تاریخ‌ساز
۳۵	راز گزینش خدیجه علیها السلام به عنوان برترین زن تاریخ
۳۹	راز برگزیدگی و شکوه خدیجه علیها السلام در آیینه‌ی حدیث و تاریخ
۵۱	پرتوی از مدیریت اقتصادی و کارآفرینی خدیجه علیها السلام
۵۱	اشاره
۵۱	۱. دختری اندیشمند و صاحب‌اعتبار و امکانات
۵۳	۲. در مدیریت اقتصادی
۵۴	۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت
۵۷	۴. اصل نظارت و کنترل در مدیریت

۵۸	۵. شناخت زمان و مکان و شرایط بازار در پرتو آگاهی و مشاوره
۶۵	۶. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی
۶۶	۷. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای
۶۷	۸. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع
۶۹	۹. یک کارآفرین با معنویت و بشردوست
۷۲	۱۰. کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی نزدیکان
۷۶	آثار دیگری از همین نویسنده
۷۹	درباره مرکز

نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: کرمی فریدنی، علی، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام / علی کرمی فریدنی.

مشخصات نشر: قم: نسیم انتظار، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.؛ ۵/۱۴ × ۲۱ س م.

شابک: ۸۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴۸۵-۵۳-۳۷۶:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ سوم.

موضوع: زنان در اسلام

موضوع: مدیریت (اسلام)

موضوع: خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: ۱۷۲/۲۳۰/BP/ک ۳۶ ۹ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۱۰۹۳۲

وضعیت رکورد: فاپا

ص: ۱

اشاره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: ٢

نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیهاالسلام

استاد علی کرمی فریدنی

ص: ۳

دانش و هنر مدیریت و کار آفرینی ... ۷

اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی ... ۹

نگاهی به اندیشه و منش مترقی بانوی آزادی ... ۱۷

تفسیر و تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار ... ۲۱

برترین زنان روزگاران ... ۲۳

۱. مدافع حقوق کودک و کرامت بشر ... ۲۳

۲. پا به پای مسیح برای افشاندن بذر مهر و مدار ... ۲۴

۳. شریک دغدغه های پیامبر صلح و آزادی ... ۲۵

۴. سالار زنان عصرها و نسلها ... ۲۷

راز اوج این زنان تاریخ ساز ... ۲۸

راز گزینش خدیجه علیهاالسلام به عنوان برترین زن تاریخ ... ۲۹

راز برگزیدگی خدیجه علیهاالسلام در آینه ی حدیث و تاریخ ... ۳۳

پرتوی از مدیریت اقتصادی و کار آفرینی خدیجه علیهاالسلام ... ۴۵

۱. دختری اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات ... ۴۵

۲. در مدیریت اقتصادی ... ۴۷

۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت ... ۴۸
 ۴. اصل نظارت و کنترل در مدیریت ... ۵۰
 ۵. شناخت زمان و مکان و شرایط بازار و ... ۵۱
 ۶. رعایت اصل پاک روشی در مدیریت اقتصادی ... ۵۸
 ۷. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای ... ۵۹
 ۸. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع ... ۶۰
 ۹. یک کارآفرین با معنویت و بشردوست ... ۶۲
 ۱۰. کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی ۶۵
- آثار چاپ شده ی استاد اندیشمند علی کرمی فریدنی ... ۶۹

ص: ۶

دانش و هنر مدیریت و کار آفرینی

دهمین روز ماه مبارک رمضان، برابر با روز رحلت جانسوز بزرگ بانوی دانش و ایمان و نمونه‌ی کمال و پروا و سنبیل آزادی و آزادگی خدیجه علیهاالسلام است.

این روز غمبار و رویداد جانسوز آن، نه تنها روز دریغ و اندوه و سوگواری و بزرگداشت برای آن بانوی خردگرا و نواندیش و کمالجو و آرمانخواه و آراسته‌ی به ارزش‌ها و فضیلت‌های والای انسانی است، بلکه در حقیقت روزگر امیداشت و ارج نهادن به گوهر ارزش‌ها و برتری‌ها و رادیه‌ها و سرفرازی‌ها و معنویت‌خواهی‌ها و حق‌طلبی‌هاست؛ چراکه این بانوی تاریخ‌ساز، پیشتاز همه‌ی این میدان‌های کمال و پیشرو همه‌ی این عرصه‌های پرافتخار بود و به راستی بسان مشعلی درخشان و بهارانی سرسبز و پرطراوت این گوهرهای معنوی و انسانی را در چشم انداز عصرها و نسل‌های خواهان رشد و رستگاری به نمایش نهاد؛ به همین جهت هم، گر امیداشت او در حقیقت گر امیداشت همه‌ی این گوهرهای آسمانی و زمینی است.

از سوی دیگر این روز بزرگ، برای همه انسانهای ترقیخواه و

بشردوست به ویژه زنان و دختران رشد طلب، فرصتی طلایی فراهم می آورد تا به گستره ی شخصیت پرشکوه خدیجه ای و راز شکوفایی و ماندگاری او بیندیشند و با الهام از نواندیشی و نوگرایی و حقجویی و انتخاب های خداپسندانه و اندیشاننده ی او در زندگی، از خاک تا افلاک اوج گیرند و به رستگاری این جهان و آن جهان پرکشند.

و نوشته ای که در دست شما خواننده ی گرامی است، همسفر شما در این راه و گامی است لرزان در جهت ترسیم اندیشه و منش و روش زیبا به ویژه پرتوی از مدیریت و کارآفرینی آن مدیر بامعنویت و توانمند که در قالب این سه بحث، طرح می گردد

الف. نگاهی کوتاه به اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی؛

ب. نگاهی به اندیشه و منش و ویژگی های بزرگ بانوی خردمند و نواندیش حجاز، خدیجه ای که از پیشتازترین زنان در مدیریت و مهندسی اجتماعی و اقتصادی و کارآفرینی بود؛ همانسان که در معنویت و اخلاق و ایمان و آزادگی و آزادیخواهی و دیگر ارزش های انسانی به صورت سیمایی پیشتاز و نمونه ای درخشان جلوه کرد.

ج. پرتوی از مدیریت اقتصادی و تجاری و کارآفرینی بانوی آزادی و معنویت در آن جامعه و محیط و دنیای بسته و تاریک.

در پایان این سر آغاز، رحلت جانسوز آن بانوی خرد و آگاهی و ایمان و آزادگی را به پیامبر، امیر مؤمنان، فاطمه و دیگر پیشوایان معصوم لا، به ویژه آخرین امید و آخرین نوید تسلیت عرض می کنیم.

قم/ دفتر فرهنگ و اندیشه / تابستان ۱۳۸۶ علی کرمی فریدنی

شاید در گذر زمان، هیچ روزگاری به اندازه ی جهان معاصر، بر سر معانی و مفاهیم بحث و گفتگو نبوده و وصف و تعریف های متنوع در مورد هر موضوعی ارائه نشده است، به گونه ای که گویی اندیشمندان و صاحب نظران، با هم پیمان بسته اند که در وصف و تعریف هیچ موضوع مهم و حساسی، دیدگاه و نظر هماهنگی نداشته باشند و برای هر مفهومی ده ها و گاه صدها تعریف متفاوت و گاه متناقض ارائه دهند!

موضوع مورد بحث ما در این نوشته و این فرصت نیز - که مفهوم مدیریت و ساماندهی است - یکی از همان مفاهیم پرماجرا و پر مناقشه است که به دلایل گوناگون، از جمله، انگیزه ها، هدفها و غرض های سیاسی و اقتصادی و مذهبی، به سرنوشتی گرفتار آمده است که گویی تعریف درست و وصف دقیق برای آن بسیار دشوار و پیچیده است،^(۱) اما ما در آغاز این سخن به تعریفی که از میان تعاریف برگزیده ایم، بسنده می کنیم و با اندک شرح و توضیح، به سراغ اصل بحث می رویم

مدیریت عبارت است از دانش و هنر برنامه ریزی، ایجاد تشکل و

ص: ۹

هماهنگی و قدرت رهبری و کنترل تلاش های گوناگون به منظور رسیدن به هدفی معلوم و مقصدی مقرر.

یکی از مهم ترین کتاب های دانشکده ی علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، مدیریت را این سان تعریف می کند: مدیریت، عبارت از دانش و هنر برنامه ریزی، ایجاد تشکل و هماهنگی و قدرت رهبری و کنترل تلاش های گوناگون به منظور رسیدن به هدفی معلوم است. (۱)

واژه ی «مدیر» در لغت به معنای اداره کننده، و به کسی که کاری را اداره می کند، تعبیر شده و واژه ی تدبیر و اداره کردن نیز به معنای کارگردانی، نظام بخشیدن به کارها و ساماندهی شئون آمده است، و واژه ی «مدیریت» نیز به معنای کارگردانی و گرداندگی است.

در فرهنگ های واژه شناسی، واژه ی «مدیریت» به معنای «مدیر بودن» یا داشتن پست مدیریت و ساماندهی امور و شئون نیز آمده است؛ اما در اصطلاح به انجام کارها به وسیله دیگران و از راه به کارگیری دیگران یا به معنای کار کردن با مردم و در میان مردم و برای مردم تعبیر می شود.

منظور از این وصف و تعریف این است که هیچ نهاد اجتماعی بدون در نظر گرفتن مردم و نیازهای آنان و بدون آنکه به راستی برای مردم باشد، تأسیس نمی شود؛ پس، سیستم و یا نهادی که برای خدمت به

ص: ۱۰

انسانها نباشد، اصل وجود و فلسفه ی پیدایش آن مورد پرسش خواهد بود،^(۱) به همین جهت «مدیر» و مدیریت باید با افرادی که در درون و یا برون سازمان و تشکیلات هستند، همراه و همگام باشد. او نمی تواند و نباید با آنانی که کار می کنند، خواه کارمندان و کارگزاران و یا شهروندان جامعه، که سازمان و تشکیلات برای آنان و در جهت خدمت به هدف های مقرر آنان تشکیل شده است، ناهماهنگ و در جهت عکس منافع و آرزوها و آرمان های آنان باشد.

مدیر میان مردم زندگی می کند و در جمع افراد سازمان و تشکیلات عضویت دارد، و منظور از عضویت نیز این است که او یکی از اعضای جامعه است و دیگران او را یکی از خودشان به حساب می آورند.

با نگاهی دقیق به زندگی الهام بخش پیامبر، در می یابیم که آن حضرت پیش از انگیزش و دوران بعثت خویش، در میان مردم بود و همه جا

ص: ۱۱

۱- امام علی علیه السلام چه زیبا فرمود که: «أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسِيمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحَجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِطْهِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا... وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَيْدِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطِهِ عَنَزٍ» نهج البلاغه / خ ۳. آگاه باشید! به خدایی که هسته را شکافت و جان را آفرید، اگر نه این بود که این جامعه و مردم، گردهم را گرفته و پذیرش مسئولیت اداری جامعه را خواهانند، و اگر نه این بود که با وجود یاران راه، حجت تمام شده، و اگر خدا از دانشمندان پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان بی تفاوت نباشند، من زمام امور را رها می ساختم و پایانش را با جام آغازین آن یک جا در آب می افکندم؛ آنگاه نیک می دیدید که این دنیای شما با همه ی زرق و برق آن در نظر من از عطسه ی بزى بی ارزش تر است.

عضو اثرگذار گروه و جامعه به شمار می رفت، و با همه ی بزرگی و معنویت و شکوهی که داشت، می فرمود: من کسی جز یکی از شما نیستم؛ «ما انا الا کواحد منکم»

روشن است که برای مردم بودن، به مفهوم در خدمت مردم و خدمتگزار راستین هدفهای مقرر و مورد توافق و رضایت آنان بودن است.

اگر مدیر و مدیریت، قدر و اعتباری دارد، فقط به خاطر خدمت به مردم و تلاش در راه هدف های مردم است، به مصداق این بیان که: «رئیس القوم خادمهم» مدیر در همه ی شرایط و در هر فراز و نشیبی باید انگیزه و نیت خدمت به انسان ها را داشته باشد، خواه مردم قلمرو مدیریت او از همکاران و هواخواهان او باشند یا منتقدان به او و روش مدیریت او.

«وَأَشْرَقَ لُبُّكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ... فَـأَنَّهُـمُ صـنـفـانـ: إِمَّا أَخ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ . . .» (۱)

او باید همواره بکوشد تا مشکلات آنان را با انگیزش مشارکت و اعتماد آنان با بهترین روش و منش حل نماید. حل مشکلات و رسیدگی به امور مردم، هم شامل افراد داخل سازمان و تشکیلات یعنی کارکنان و نزدیکان و همفکران می گردد و هم شامل افراد خارج از سازمان، یعنی

ص: ۱۲

۱- گسترهی قلب خویش را کانون محبت مردم ساز و با آنان به مهربانی و نرمش رفتار کن؛ مبدا نسبت به آنان بسان درندهای شکارافکن باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، چراکه آنان دو دسته اند: یا در دین با تو برادرند و یا در آفرینش برابر... نهج البلاغه/ نامه ی ۵۳.

مهم تر از آنچه از بایسته هایی که برای مدیر و مدیریت گفته شد، و افزون بر همه ی مفاهیم بیان شده در تعریف فوق، این است که بگوییم: همه ی کارهای مدیر و مدیریت اگر برای فراهم آوردن خشنودی خدا و در جهت آسایش و رضایت مردم باشد، دارای ارزش است و بدون آن نه تنها فاقد گوهر حقیقت و دادگری است، که گناهی است سهمگین و خیانت به زمین و زمان و حرث و نسل و غصب حق حاکمیت آنان بر سرنوشت خویش که خدا به هر انسان خردمندی ارزانی داشته است.

اما در این میان مدیریت اگر با وصف و ویژگی اسلامی عنوان شد، افزون بر تخصص و مهارت علمی و تجربی و داشتن برنامه ی دقیق و سنجیده، باید به معنویت و اخلاق و راستی و الگو شدن در منش و رفتار و ظرافت های دیگر نیز آراسته شود؛ چراکه هدف در این نوع از مدیریت و ساماندهی، فراهم آوردن خشنودی خدا و آسایش و آرامش و خشنودی مردم است و نه ناخشنود و گریزان ساختن آنان با روش های زشت استبدادی و ابزار قدرت ساختن همه چیز؛^(۱) چراکه چنین روش فریبنده گرچه به ظاهر چیره گردد و بیاید، در حقیقت شکست خورده و

ص: ۱۳

۱- «اللهم.....وَالْمُغْلَبِينَ الْحَقَّ بِالْحَقِّ» خداوندا، شریف ترین درودهایت را به همراه بالنده ترین برکاتت بر محمد، بنده و فرستاده ی خودت، مقرر فرما که سلسله ی بعثت را حلقه ی آخرین بود و با شکستن بن بست ها آغازگر راهی نوین. او حقیقت را تنها به وسیله ی روش و منش و آهنگ حق و عدالت اعلام کرد... نهج البلاغه / خ ۲۷.

نابود است؛ «مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الْإِثْمِ بِهِ، وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ.» (۱)

آری، در مدیریت با وصف اسلامی آن، باید همه ی کارها به خاطر خدا و در جهت آزادی و آزادگی و امنیت و منافع و مصالح مردم و رسیدن به خشنودی خدا و مردم و با راستی و درستی و دادگری و مهر و اقناع مردم انجام شود و هر حرکتی باید در این جهت باشد؛ چراکه مشروعیت کارها و ارزشمندی روش ها و اهداف سازمانی و تشکیلاتی در مدیریت اسلامی، در گرو عادلانه و درست و مردمی بودن و در هر لحظه ای به همراه داشتن خشنودی و رأی آزادانه ی آنان است.

انسان ها مهم ترین عامل هر سازمان و نظامی هستند و اگر قرار باشد مدیریت و مدیری موفق شود، موفقیت او از طریق همراهی و همکاری و خشنودی و اقناع انسانها حاصل می گردد و نه روش های ابلیسی و استبدادی.

«...أَلَا وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادَ لُمَةً مِنَ الْغَوَاهِ وَ عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرَاضَ الْمَيْتَةِ.» (۲)

با این بیان، اخلاق مدیریت عبارت است از: ویژگی هایی که انجام کار

ص: ۱۴

۱- آنکه گناه بر او چیره شود، پیروز نیست، و آن که به وسیله ی بدی چیره گردد، شکست خورده است. نهج البلاغه / قصار ۳۲۷.

۲- به هوش باشید که معاویه انبوهی از مردم ناآگاه را به دنبال خود می کشد و حقیقت را زیر پرده ی تزویر و تحریف از آنان می پوشاند و به گونه ای در مغز آنان دستکاری می کند که با دنباله روی کورکورانه از او، خرخره های خود را برای پیشبرد هدف های سلطه جویانه ی او در برابر تیرهای مرگ می سپارند و خود را به کام هلاکت می افکنند. نهج البلاغه/خ ۵۱.

را از طریق دیگران میسر می سازد و با این ویژگی هاست که انسان می تواند دانش مدیریت را به کار بندد و به هنر مدیریت آراسته گردد. (۱)

بر این باور، در هر مدیریت مترقی، ارکان و اصولی ضروری است که با ضعف یا فقدان هر یک از آنها، آن جامعه یا آن سازمان و تشکیلات، نه تنها به هدف های مقرر خود نخواهد رسید که به سردرگمی، ضایعات و تلفات و عقب ماندگی و در نهایت فروپاشی و رسوایی خواهد انجامید.

این اصول و ارکان عبارتند از:

۱. برنامه ریزی، که هدف یا هدف های تشکیلات و تهیه ی برنامه ی کار و نقشه و چگونگی رسیدن به هدف را نشان می دهد.

۲. پس از آماده شدن برنامه، اصل سازماندهی - که عبارت از یگانه سازی و جهت دهی و به کارگیری نیروی انسانی، مالی و وسایل و تجهیزات برای رسیدن به هدف مقرر، در قالب بهترین روش و اثرگذارترین شیوه است. ضرورت می یابد.

۳. همراه دو اصل برنامه ریزی و سازماندهی، ایجاد انگیزه و شور و شوق در همکاران و کارکنان برای چگونگی عملکرد و حرکت به سوی هدف مقرر، ضرورت می یابد، چراکه میزان انگیزه و عملکرد آنان روشن می سازد که رسیدن به هدف یا هدف های ترسیم شده چه قدر و در چه زمان و در چه کیفیتی خواهد بود.

آنان ممکن است با ۹۰ درصد دقت و مهارت و دلسوزی و توانایی خود، یا با ۲۰ درصد از آن کار کنند. پس، ایجاد انگیزه و شور و شوق و

ص: ۱۵

تعمیق آن در کارکنان، در مدیریت و فرماندهی کارکردی بی نهایت مهم و حیاتی است. به همین جهت مدیریت و مهندسی متری و ماهر، یا منحنی و عقب افتاده هر کدام به سبک خود برای ایجاد انگیزه و آفرینش شور و شوق تلاش می کنند. برخی با برقرار ساختن ارتباط از ادمنشانه رهبری درست کارها، همراهی و همدلی مستقیم یا غیر مستقیم با نیروهای انجام رسان کار، مسئولیت پذیری و محاسبه، ایجاد مشارکت و پاداش و توییح سنجیده، در بالا بردن انگیزه می کوشند و برخی با ارباب و خشونت و شیوه های پلیسی و منحنی تر از آن.

۴. و همراه سه اصل برنامه ریزی، سازماندهی، و ایجاد انگیزه در کارکنان، اصل مهم دیگر در مدیریت موفق و متری، اصل محاسبه و کنترل می باشد، که عبارت است از توجه جدی به رهاورد کار، و مقایسه ی پیگیر کارهای انجام شده با برنامه ها و اعمال و اجرای اصلاحات لازم در لغزشها و اشتباهات و انحرافات که در انتظارات و هدف ها پیش آمده است.

ص: ۱۶

نگاهی به اندیشه و منش مترقی بانوی آزادی

پیامبر گرامی - که به گواهی قرآن، دقیق و سنجیده و بدون گزافه و کاستی، وصف و نقد می کرد. در سخنی کوتاه فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ» (۱)

خدای فرزانه از میان زنان نواندیش و مدبر و تاریخساز، چهار زن را برگزید و الگو و نمونه‌ی درخشان تاریخ زن و مرد قرار داد. اینان عبارتند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیهاالسلام.

و نیز هنگامی که به مناسبتی از خدیجه علیهاالسلام سخن به میان آمد، فرمود:

«خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ، صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَزَّرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانَتْنِي بِمَالِهَا...» (۲)

از «خدیجه» سخن گفتید؟ کجا همانند آن بانوی خرد و پروا پیدا می شود؟ او بود که در آن شرایط بحرانی که مردم در دعوت توحیدی و آزادیخواهانه‌ی من، مرا دروغگو می انگاشتند - با شهامت و ابتکار و راستی و درستی، مرا در دعوت و در زندگی ام گواهی کرد، در راه دین

ص: ۱۷

۱- فروغ آسمان حجاز خدیجه علیهاالسلام ص ۲۵ از همین قلم کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۸۴.

۲- بحار / ج ۴۳ / ص ۱۳۰ به نقل از: فروغ آسمان حجاز خدیجه علیهاالسلام ص ۲۵۹ از همین قلم.

خدا و پیشرفت آن، بار گران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید، و با دارایی و امکانات و اعتبار بسیار خویش مرا در راه هدف های خدایی و انسانی مدد رساند، و آنگاه خدا به من فرمان داد که به او بشارت دهم که به پاس رنج و تلاش و مدیریت و فداکاری هایش، خدا در بهشت پر طراوت و زیبا، خانه ای از گوهری گرانبها برای او ساخته است؛ خانگی پرشکوه و وصف ناپذیری که در آن، نه نا آرامی و هیاهویی خواهد بود و نه رنج و دردی.

و نیز فرمود:

«أربع نسوة سيدات سادات عالمهن: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد، صلی الله علیه و آله» (۱)

چهار زن نواندیش و ستم ستیز و عدالت خواه در زندگی خویش به گونه ای با درایت و شهامت درخشیدند که سالار زنان روزگار شدند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه...

و نیز فرمود:

«اشتاقت الجنه الی اربع من النساء: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم زوجه فرعون و خدیجه بنت خویلد زوجه النبی فی الدنيا و الاخره و فاطمه بنت محمد» (۲)

بهشت زیبای خدا در شور و شوق چهار بانوی با معنویت و آزادیخواه است، که عبارتند از: «مریم»، دختر پاک منش عمران؛

ص: ۱۸

۱- تفسیر روح المعانی / ج ۳، ص ۱۵۵ در المنثور ذیل آیه ی ۴۲ از آل عمران.

۲- بحار ج ۴۳ / ص ۵۳ - ۵۴.

«آسیه»، دختر ستم ستیز «مزاحم» و همسر استبدادگر عصر موسی، فرعون که در بهشت زیبای خدا به همنشینی پیامبر مفتخر خواهد شد؛ «خدیجه»، دخت نواندیش و کمال جوی حجاز، که در این جهان و جهان دیگر همسر و همراه پیامبر است؛ و دیگر فاطمه، دخت سرفراز محمد صلی الله علیه و آله .

و نیز فرمود:

«فضلت خدیجه علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین.» (۱)

همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه نیز بر زنان جامعه و امت من برتری داده شد. و نیز «طبرسی» مفسر بزرگ قرآن آورده است که فرمود:

«كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا اَرْبَعُ:

آسیه بنت مُزَاحِمٍ و اِمْرَاةَ فِرْعَوْنَ و مَرِيْمَ بِنْتِ عِمْرَانَ و خَدِيْجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ و فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ و آله « (۲)

بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان، این چهار زن، نمونه ی رشد و اوج و سرمشق کمال و نواندیشی و آزادیخواهی هستند: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه.

و نویسندگی تفسیر «قرطبی» آورده است که فرمود:

«أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد، وآسيه

ص: ۱۹

۱- تفسیر تبیان/ ج ۲ ص ۴۵۵.

۲- ترجمه ی مجمع البیان / ج ۲۸ ص ۱۱۰۱ / به همین قلم، الکشاف / ج ۴ ص ۵۷۳.

بنت مزاحم امراه فرعون و مریم بنت عمران،» (۱)

برترین و پرفضیلت ترین زنان بهشت اینانند: خدیجه، فاطمه، آسیه و مریم.

و نیز آورده اند که پیامبر خطاب به آن بانوی معنویت و کمال فرمود:

«يَا خَدِيجَةُ! أَنْتِ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَفْضَلُهَا وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۲)

هان ای خدیجه! تو بهترین مادر توحید گرایان و آزادیخواهان و برترین آنان هستی، و تو سالار زنان گیتی می باشی.

و باز روایات رسیده بیانگر آن است که پیامبر گرامی به هنگام دریافت دستور خدا برای انجام یک برنامه ی چهل شبانه روزی پرستش و نیایش، به یار زندگی اش پیام فرستاد که:

« فَلَا تَطْنِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَبَاهِي بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا» (۳)

ای خدیجه! هرگز چنین مپنداری که دوری گزیدن من از خانه برای یک برنامه ی ویژه ی عبادی و عرفانی، به خاطر کدورت از خانه و خانواده است؛ نه، بلکه حقیقت این است که پروردگام مرا به این کار فرمان داده است، و من تنها به انجام دستور می اندیشم و بس؛ از این رو

ص: ۲۰

۱- تفسیر قرطبی ج ۲ ص ۱۳۲۵؛ بحار الأنوار ج ۴۳ / ص ۹.

۲- الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره / ص ۷.

۳- بحار الأنوار ج ۱۶ / ص ۷۸؛ عوالم العلوم ج ۱۱ / ص ۴۱؛ فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد إلى اللحد ص ۳۲

این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر مپندار، چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته ی تو بر فرشتگان گرانمایه اش مباحث می کند.

و نیز آورده اند که فرمود: فرشته ی وحی نزد من آمد و گفت: هان ای پیامبر خدا! این خدیجه است که بنده ی پر اخلاص بارگاه خداست. هنگامی که نزدت آمد، سلام پروردگارت را به او برسان و به او مژده ده که در بهشت پرتراوت و زیبای خدا، سرایی شکوهمبار در درون گوهری بزرگ و ناب برای او آماده است؛ سرایی که هیچ رنج و ناآرامی در آن نخواهد بود؛

«فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمَنِّي، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبٌ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ» (۱)

تفسیر و تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار

در جامعه های پیشرفته به خاطر ایجاد انگیزه و ترغیب مردم به فراگیری دانش و بینش و هنر و تخصص و مبارزه در راه حقوق و آزادی دیگران و نهادینه ساختن این ارزش های والای انسانی و جهانی، برخی را با معیارهایی سنجیده، به عنوان برترین ها برمی گزینند و از تلاش و مبارزه ی سترگ آنان تجلیل می کنند، و برابر این روایت درس آموز، آفریدگار انسان این زنان اندیشمند و با معنویت و تاریخساز را به عنوان برترین ها در درایت و مدیریت و دانش و پروا و آراستگی به معنویت و

ص: ۲۱

تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار و تاریخ ساز در گرو این حقیقت است که به خاطر داشته باشیم که سرشت بشر از دو بعد تشکیل شده است:

بعد حیوانی و بعد انسانی. زن بودن و مرد بودن وی، از بعد حیوانی بشر ریشه می گیرد. بعد انسانی انسان، زن و مرد ندارد و برتر از این دو می باشد.

عقل و خرد، نواندیشی و نوگرایی، داد و دهش، جود و کرم، عفو و گذشت، حلم و بردباری، رادی و شکیب، وفا و صفا، آینده نگری و قابلیت نامتناهی برای تکامل و درایت و مدیریت از ویژگی های انسانی انسان است و نه از بعد حیوانی انسان.

اگر فردی از بشر بتواند با مدیریت درست علمی و عملی، بعد انسانی خود را در زندگی داور و مدیر قرار دهد و بعد حیوانی خود را فرمانبردار آن سازد، و در دنیای پر اسرار وجود خود، تعادل و توازن ایجاد کند و از بلای افراط و تفریط برهد، انسانی کامل خواهد بود، چراکه او در حقیقت وجود خویشتن را حیوان زدایی کرده و به کمال آراسته است.

در آن صورت است که اگر زن باشد بالا-تر از زنان و مردان و اگر مرد باشد، برتر از مردان و زنان خواهد شد. انسان، انسان است، نه زن است و نه مرد، چنانچه فرشته، فرشته است نه زن است و نه مرد و انسان کامل از فرشته برتر است؛ چراکه انسان کامل و شکوفا و ادب آموخته، از دنیای وجود و رفتار خود حیوان زدایی کرده است، اما فرشته، دارای این

برترین زنان روزگاران

اشاره

قرآن و روایات رسیده بیانگر این حقیقت است که در تاریخ بشر، زنانی چند با درایت و مدیریت شایسته ی دنیای وجود خویش و بهره وری درست و سنجیده از فرصت ها و امکانات روزگار خویش و مدیریت بهینه آنها و سبک سنجیده ی رویارویی با موانع و خطرات، به پرفرازترین مقام انسانی اوج گرفته اند، و نه تنها برترین زنان که برترین انسان های روزگاران شده اند؛ همانگونه که مردانی این راه دشوار را پیموده و به پرفرازترین قله ی معنویت و کمال و منش مرقی انسانی اوج گرفته اند؛ « كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَ لَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا اَرْبَعٌ: (۱)»

۱. مدافع حقوق کودک و کرامت بشر

نخستین این زنان کمالجو و آزادی خواه و استبدادناپذیر، آسیه همسر نواندیش و عدالت خواه فرعون مصر بود، که با دفاع از حق حیات و زندگی موسای کلیم، راه را برای نجات و سعادت و پیشرفت بشر، در آن فضای تیره و تاریک حاکمیت استبداد و اختناق و فریب و بهره وری ابزار فرعون از آیین و مردم و وطن را گشود و با مراقبت و نگهداری دلسوزانه و دلیرانه از کودک بی پناه نیل و حمایت از حقوق کودک، خدمتی بزرگ و وصف ناپذیر به آیندگان کرد، و به صورت الگوی ستم ناپذیران و حق طلبان و مدافعان راه آزادی و حقوق کودک و کرامت بشر در تابلو

ص: ۲۳

قرآن برای همیشه در خشیدن آغاز نمود:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» * (۱)

و خدا برای کسانی که ایمان آورده اند، نمونه ای آورده است؛ زن فرعون را آنگاه که گفت: پروردگارا! برای من در بارگاه خود، در بهشت [پرنعمت و زیبا] خانه ای بساز و مرا از [بیداد] فرعون و کردار او برهان، و مرا از دست مردم ستمکار نجات بخش.

۲. پا به پای مسیح برای افشاندن بذر مهر و مدار

دومین آنان مریم بود، که عیسای مسیح را در آن شرایط دشوار تاریخ پر ماجرای بشر، به همراه آیین صلح و بهروزی و روش دل انگیز مهر و مدارا و مردم نوازی، بسان نسیمی جانبخش در آن توفان بی مهری ها و بیدادها و تندخویی ها، به جهان خشن و تندخوی بشریت استبداد زده و در اسارت جهل و جنون استبداد گران و انحصار گران تقدیم داشت، و پا به پای او به تلاش فکری و فرهنگی و اخلاقی و روشنگری و الگودهی همت گماشت تا مسیر تاریخ را از ریل انحطاط و بدبختی و خشونت بی حاصل و ویرانگر، به ریل مهر و محبت و رشد و بهروزی و خردورزی و بشردوستی و صلح و آزادی هدایت کند.

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِنِينَ» * (۲)

ص: ۲۴

۱- تحریم / آیه ی ۱۱.

۲- تحریم / آیه ی ۱۲.

و [نیز خدا برای کسانی که ایمان آورده اند] مریم، دختر عمران را، [نمونه ای آورده است؛] همان کسی که دامان [خود] را [پاک] نگاه داشت، و در او از روح خود دمیدیم، و سخنان پروردگارش و کتابهای او را تصدیق نمود و [هماره] از فرمانبرداران بود.

۳. شریک دغدغه های پیامبر صلح و آزادی

سومین زن تاریخ ساز و معنویت پردازی در زبان و فرهنگ اسلام و پیامبر، بانوی خردمند و آگاه و نواندیش و پروا پیشه و پرشهامت حجاز، خدیجه علیهاالسلام بود.

او با درایت و مدیریت و انتخاب هوشمندانه و شایسته ی راه زندگی در آن جامعه و فضای بسته و عقب مانده، (۱) یار پرمهر و پشتیبان پر اعتبار و همراه پر معنویت محمد صلی الله علیه و آله شد، و شریک دغدغه های او در کار سرگ دعوت جامعه و مردم به توحید و تقوا و معنویت و اخلاق و آزادی و آزادگی گردید، و با زبان رسا و منش مترقی و رفتار و برنامه ریزی زیبا در این راه نمونه ای جاودانه شد.

ص: ۲۵

۱- که امیر مؤمنان در تحلیل آن شرایط و فضا می فرماید: .. بأرض عالمها ملجم و جاهلها مکرم» در آن روزگار سیاه، مردم در کنار بهترین خانه و بدترین همسایه ها بودند؛ خوابشان بیداری بود و سرمه ی چشمشان اشک. در سرزمین و شرایطی تیره به سر می بردند که دانشمند و نواندیش از ترس جان لب فرو بسته بود و فرومایه و دنباله رو گرامی و میدان دار و صاحب امکانات بود. نهج البلاغه / خ ۳۴.

امیر مؤمنان در مورد نواندیشی و پیشتازی و ایمان او فرمود: «وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِرَاءَ، فَأَرَاهُ وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي،

وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَخَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا» (۱)

پیامبر چند ماه از سال را در غار «حِراء» در نزدیکی مکه میگذرانید. در آنجا تنها من او را می دیدم و کسی جز من او را نمی دید. در آن روزها در هیچ خانه ای جز خانه ی پیامبر - که بزرگ بانوی آزادی و معنویت خدیجه هم در آنجا بود - اسلام و ایمان و نور آزادی و عدالت راه نیافته بود، و من در آن شرایط دشوار، سومین آن دو انسان بزرگ منش و تاریخ ساز بودم که در راه تحول مطلوب و ساختن جامعه و دنیایی نو در تلاش و تکاپو بودند. (۲)

ص: ۲۶

۱- نهج البلاغه / خ ۱۹۲.

۲- «علامه ی مجلسی» در این مورد چنین می نویسد: خدیجه علیهاالسلام نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و قرآن را به عنوان پیام خدا گواهی نمود، با همه ی وجود و توان بار گران وزارت و همکاری پیامبر را به دوش کشید، و بدین وسیله خدای توانا، کار سترگ و بار گران رسالت را با همگرایی و همکاری شجاعانه ی خدیجه علیهاالسلام بر پیامبرش آسان ساخت؛ «کانت خدیجه أول من آمن بالله و رسوله، و صدقت بما جاء من الله، و وارثه علی أمره، فخفف الله بذلك عن رسول الله صلى الله عليه و آله ...» بحار ج ۱۶ / ص ۱۰. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله، تا آخرین روزهای زندگی خدیجه علیهاالسلام او را یاری غمخوار، همکاری چاره ساز و سنگ صبوری گره گشا و مدیری توانمند و با معنویت و آرامش بخش دل خویش می دید. هر سخن گزنده و موضع گیری زننده و جسارت و اهانت و دروغ انگاری را - که در راه رساندن پیام خدا از تاریک فکran و خود کامگان و گماشتگان استبداد می شنید و دل نازنین او از اندوه آکنده می شد. با شریک دغدغه هایش، خدیجه در میان می نهاد و با او به بیان درد می نشست، و خدا به وسیله ی سخن و تدبیر حکیمانه ی آن شیر زن، درد و اندوه را از گسترهی دل پیامبرش می زدود؛ چرا که آن یار بزرگمنش، هنگامی که پیامبر را در فشار مشکلات می دید، با زبان و عمل سنجیده اش، او را به استواری و مقاومت بر می انگیخت، و با همزبانی و همدردی از فشارها می کاست و با اسان شمردن کار سترگ ارشاد و مدیریت معنوی جامعه و ایجاد دگرگونی مطلوب در اندیشه ها و عواطف، چشم انداز موفقیت را نزدیک می ساخت. و نیز می نویسد: خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و آن حضرت به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شد و با مهر و صفای وصف ناپذیر او، آرامش خاطر می یافت؛ و کانت خدیجه وزیره صدق علی الإسلام، و کان رسول الله صلى الله عليه و آله یسکن اليها علیهاالسلام بحار ج ۱۶ / ص ۱۱

۴. سالار زنان عصرها و نسل‌ها

و چهارمین این زنان پرشکوه و بزرگ منش، فاطمه علیهاالسلام دخت سرفراز همین مادر پرشکوه و بامعنویت بود که از زبان سنجیده گوی پیامبر، عنوان پرافتخار سالار زنان عصرها و نسل‌ها را در میدان‌های گوناگون زندگی، لقب گرفت.

پیامبر او را مخاطب ساخت و در بزرگداشت درایت و مدیریت و ایمان و پروای او فرمود:

«يَا فَاطِمَةُ! أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ»^(۱)

ص: ۲۷

۱- طبقات ابن سعد ج ۲/ ۱۲۵؛ صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۴۲؛ انساب الأشراف / ص ۵۵۲؛ الاعتقاد حافظ بیهقی ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی ص ۳۹؛ تذکره الخواص ص ۳۱۹.

فاطمه جان! آیا نمی خواهی سالار بانوان گیتی باشی؟

آیا نمی خواهی سالار بانوان امت باشی؟ آیا نمی خواهی سالار بانوان با ایمان باشی؟

و نیز در حق شناسی از شکوه و شکوفایی خرد و معنویت او، هشدار داد که

«... مَنْ عَرَفَ هَيْدَةَ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبِيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»

هان ای مردم! هر کس فاطمه را شناخت که شناخته است و هر که او را نشناخته است، به هوش باشد که او پاره‌ی وجود من، قلب من، و روح من است. هر کس او را بیازارد، در حقیقت مرا آزرده است، و هر کس مرا بیازارد، در حقیقت خدای را آزرده است.

راز اوج این زنان تاریخ ساز

هر یک از این چهار بانوی نامدار، حقوقی بس بزرگ بر فرهنگ و تمدن و رشد و پیشرفت انسانی دارند؛ چراکه در استوار کردن راه آگاهی و آزادی و آزادگی و عدالت و سعادت و کمال و اوج بشر تلاشی سرگرم نموده و نقشی سرنوشت ساز داشته و هنوز هم دارند.

اسناد و مدارک معتبر تفسیری و حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که این زنان افتخار آفرین، نخست دنیای وجود خویشان را به صورت اندیشمندانه و مترقی، مدیریت کردند و با خودیابی و خودشناسی و

خودسازی و مبارزه‌ی دلیرانه و سنجیده با موانع رشد و کمال، به خودشکوفایی اوج گرفتند، و آنگاه توانستند جامعه و جهان استبدادزده و دربند جهل و خرافه و در اسارت تعصب و خشونت را به سوی سعادت و نجات و رشد و شکوفایی و مهر و مدارا و اخلاق و معنویت، مدیریت کنند و در پیکار سرنوشت، همراهی و همگامی برترین پیامبران و اصلاحگران و خردسازان و آزادیخواهان را برگزینند.

آنان هر کدام انسانی نواندیش و آزادیخواه، آزادمنش و خداجو، استبدادستیز و آراسته‌ی به خرد و کمال بودند که نه تنها در روزگار خویش، نقش والا- و سرنوشت سازی در نجات و سرفرازی مردم خویش ایفا نمودند، که چراغ فروزانی فراراه آیندگان شدند و اخلاق و منش مرقی را به بشریت هدیه کردند، به گونه ای که هم اینک نیز جهان و جهانیان، آنان را سمبل راستی و وفاداری و نیک اندیشی و مدیریت و مدارا و اخلاق و معنویت و آزادگی و آزادیخواهی می نگرند و برنامه و کتاب و راه و رسم آنان را می ستایند، و هر بام و شام، نام بلند و جاودانه ی آنان را بر پرفرازترین مأذنه ها و مناره های گیتی به شکوه و عظمت طنین افکن می سازند و از خدای آنان و روح بزرگ و بشردوست آنان قوت قلب می جویند.

راز گزینش خدیجه علیها السلام به عنوان برترین زن تاریخ

دقت در اسناد روایی و تاریخی معتبر، معیار برتری و راز گزینش خدیجه را به عنوان برترین زن تاریخ این سان نشان می دهد:

۱. نواندیشی و نوگرایی او در آن جامعه و شرایط عقب مانده و

۶. استقلال در اندیشه و عمل و موضع گیری شجاعانه به سود حق و عدالت و آزادی، در پیکار استبداد و آزادی.

۷. همدلی و هم اندیشی و همراهی و همزمی بسیار شجاعانه با پیامبر و مفتخر شدن به مقام مشاور و وزیر شایسته و کارآمد او. (۱)

۸. نفوذ، اعتبار، امکانات و خانه ی خویش را به فروزشگاه دین و آیین و پناهگاه پیامبر و مردم خداجو و حق طلب و آزادیخواه و بی پناه تبدیل ساختن، و پای این کار سترگ، دلیرانه مقاومت و ایثار نمودن. (۲)

ص: ۳۲

۱- او شریک دغدغه های پیامبر، همراز و همدل او، نگهبان جان او از شرارت دژخیمان، حمایتگر پرشور و آگاه او، وزیر توانا و کارآمد او از زنان و مشاور خردمند او بود، و در همه ی صحنه های پرخطر و سرنوشت ساز همچون: اعلام دعوت در آن فضای آکنده از تعصب و تاریک اندیشی، در اقامه ی نماز و فرهنگ آن، در دعوت نزدیکان، در بیعت با خدا و پیامبر تا پای جان، در تحمل گرسنگی و گرما و سرما و تبعیدگاه و... همیشه و همه جا در کنار او بود. آن بانوی آزادیخواه در دشواری ها و مشکلاتی که در سال های پس از انگیزش محمد صلی الله علیه و آله و فرود آیات و نفی پرستش های ذلت بار و روابط ظالمانه ی بیدادگران حاکم برای پیامبر و مردم آزادیخواه از سوی محافظه کاران و مخالفان آزادی و ایمان رخ گشود، نه تنها یار و یاور پیامبر و موجب آرامش خاطر او بود، که بسان مادری پر مهر و خردمند برای تمام مسلمان ها نیز مایه ی امید و پشتگرمی و قوت قلب و پناه و پشتیبان به شمار می رفت، و با شکویی قهرمانانه، تحمل و مدارای شگفت انگیز و پایداری شگرف و مقاومت کوه آسایش، سرمشق همه ی آزادیخواهان و توحیدگرایان بود. «کانت خدیجه أول من آمن بالله و رسوله، و صدقت بما جاء من الله، و وازرته علی أمره، فخفف الله بذلك عن رسول الله...» بحار / ج ۱۶ / ص ۱۰.

۲- مرحوم «کلینی» در مورد نقش کارساز خدیجه و ابوطالب، آن دو نمونه ی درایت و حق طلبی و شهادت در این راه می نویسد: بانوی بزرگ حجاز پس از شکسته شدن پیمان ظالمانهای اصلاح ستیزان در مورد «حصر» پیامبر و یاران آزادیخواه او در شعب ابی طالب، جهان را بدرود گفت، و ابوطالب به فاصله ای اندک پس از او، و با مرگ آن دو حمایتگر بزرگ، فشار و خشونت تاریک اندیشان، سخت فزونی یافت و اندوه و مصیبت شدت گرفت. پیامبر به فرشته ی وحی شکایت برد و پیام آمد که: اینک که در این جامعه و سرزمین استبدادزده یار و یآوری نداری، هجرت کن! «فأوحى الله تعالى إليه أخرج من القرية الظالم أهلها.. و أمره بالهجرة». اصول کافی ج ۱ / ص ۴۴۰؛ الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه / ص ۲۱۸

۹. قدرت شگرف مدیریت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تجاری.

۱۰. کار آفرینی و گره گشایی و سعادت سازی به انگیزهی بشردوستی و مردم خواهی و مهر به بندگان خدا.

راز برگزیدگی و شکوه خدیجه علیها السلام در آینه ی حدیث و تاریخ

راز برگزیدگی و شکوه بانوی آزادی و معنویت در تاریخ و حدیث یا آینه ی بزرگان و دانشمندان و صاحبان خرد و بینش نیز جالب و تماشایی است.

در این فرصت بجاست به نمونه هایی از دیدگاه چهره های معاصر او و برخی از اندیشمندان نسل های بعد در ترسیم ارزش های علمی و هنری و اخلاقی گوهر وجود تاریخساز و جامعه پرداز او بنگریم و بگذریم:

۱. جناب ابوطالب - که خود از نواندیشان و تاریخ سازان عرب و پیشتازان راه آزادی است - به هنگام خواستگاری از این دخت کمال برای پیامبر، در وصف او و راز گزینش وی به عنوان برترین ها در قاموس و تاریخ زن مرفقی، روی سخن را به خاندان او نمود و چنین گفت:

ص: ۳۳

«انّ ابن اخينا خاطبٌ كريمتمكم الموصوفه بالسّخاء و العفّه و هي فتاتكم المعروفه المذكوره فضلها الشّامخ خطبها...» (۱)

اینک برادر زاده ی ما محمد - که بی نیاز از وصف و ستایش است - به خواستگاری دخت گرامی شما آمده است؛ آن دخت ارجمندی که به ویژگی بخشندگی و پاکی و پروا و شایستگی آراسته است؛ همو که انسانی است بلند جایگاه و به شکوه و عظمت در میان شما شهرهی آفاق است، و برتریش زبائزد همگان و مقامش بسی ارجمند می باشد.

۲. بانو «أم سلمه» - که از زنان برجسته ی تاریخ اسلام و همسر گرانقدر پیامبر پس از «خدیجه» است . به هنگام وصف درایت و شایستگی آن بانوی کمال به وسیله ی پیامبر، گفت:

«یا رسول الله! انک لا تذکر من خدیجه أمراً إلاّ وقد کانت کذلک،...»

ای پیامبر خدا! راستی که خدیجه همان گونه بلند مرتبه و پراخلاص و درست اندیش و شایسته کردار بود که شما همواره او را وصف می کنی. (۲)

۳. «اسماء» از زنان نواندیش و تاریخ ساز عصر رسالت در وصف خدیجه، خطاب به او گفت:

«... أنت سیده نساء العالمین!» (۳)

راستی که تو سالار زنان عصرها و نسل ها هستی.

۴. «صفیه» دختر «عبدالمطلب» و عمه ی پیامبر، از زنان کمال جو و

ص: ۳۴

۱- بحار ج ۱۶ / ۶۹

۲- بحار ج ۴۳ ص ۱۳۱، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره ص ۳۷۴

۳- بحار/ج ۲۳ / ص ۱۳۸

شجاع تاریخ اسلام، در وصف او چنین سرود:

...ثم السَّعُودُ لِأَحْمَدِ*** وَالسَّعْدُ عَنْهُ مَا بَرِحَ

بخدیجه بنت الکمال*** بحر نایلها طفح

شادی و شادمانی با نشاط و طراوت فرارسید، و بدپنداری و اندوه بر طرف شد. فروغ درخشان ما، چهره برافروخت و موج نیک بختی و شادکامی از افق پدیدار گردید.

و این همه به برکت وجود ارجمند محمد صلی الله علیه و آله است؛ همو که در سرزمین حجاز و در زبان مردم آن به نیکی و بزرگمنشی یاد می شود.

هر گاه «احمد» با همه ی انسان ها و نیز دیگر پدیده های آفرینش مقایسه شود، برتری و شکوه او بر همه ی آنها آشکار خواهد شد.

اینک بار دیگر شکوه محمد صلی الله علیه و آله بر قریش آشکار گردید و به یمن وجود او، همای نیک بختی و سعادت برای همیشه در آسمان زندگی انسان های کمالجو و رشد خواه به پرواز در آمد. امواج این سعادت و نیک بختی «خدیجه» را در بر گرفت؛ همو را که دخت خرد و کمال و پاکی ها و ارزش هاست.

راستی که خدیجه چه بانوی شکوهمند و آراسته ای است! و چه قدر درایت و بردباری از گفتار و منش او نمایان است!

۵. «محمد»، از نوادگان امام حسن - که از دانشمندان ژرف نگر و پروا پیشه در تاریخ اسلام بود - در این مورد می گفت:

«ومن الأزواج أفضلهنَّ خدیجه الطاهره...»

از همسران پیامبر، برترین شان از نظر بینش و منش و جمال و کمال خدیجه ی پاک سرشت و پاک منش بود، که درود خدا بر او باد.

۶. «عبدالله بن زبیر» که در دوستی باخاندان پیامبر دارای سابقه ی نیکی نیست، به وجود ارزشمند خدیجه علیهاالسلام مباحثات می نمود، به گونه ای که در یک رویارویی گفتاری با معاویه گفت: از افتخارات من این است که عمه ی گرانقدرم «خدیجه»، آن بانوی بزرگ و دارای ریشه و تباری نیک و رفتار و کرداری والا است، اما عمه ی تو، «ام جمیل» است، (۱) که خدا در نکوهش بداندیشی و رفتار ظالمانه اش فرمود:

«...وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِی جِدِّهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ *» (۲)

و زنش نیز - که هیزمکش است، و در گردنش ریسمانی بافته شده از لیف خرماس - به آن آتش می سوزد.

۷. حدیث نگار نامدار اسلام، جناب «اربلی» در وصف آن بانوی نوگرا و بامعنویت می نویسد:

و کانت خدیجه امرأه حازمه نبیله شریفه، وهی یومئذ اوسط قریش نسباً، وأعظمهم شرفاً، وأکثرهم مالاً. وکل قومها قد کان حریصاً علی تزویجها، فأبت وعرضت نفسها علی النبی و قالت: یا ابن عمّ، انّی رغبتُ فیک؛ لقرابتک منّی، و شرفک فی قومک، وأمانتک عندهم، و حسن خلقک...» (۳)

خدیجه به راستی بانویی خردمند و خردورز و بسیار پرشرافت و درایت بود. او در روزگار خویش از نظر ریشه و تبار از بهترین های «قریش» بود و از نظر شرافت و شکوه، پرشکوه ترین آنان، و از نظر ثروت

ص: ۳۶

۱- العقد الفرید ج ۴ ص ۱۶.

۲- مسد / ۳ □ ۵.

۳- کشف الغمه ج ۱/ ص ۵۰۹.

و امکانات، ثروتمند ترین آنان به شمار می آمد. بسیاری از چهره های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند، اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال، خود با هوشمندی و آینده نگری عجیبی به خواستگاری پیامبر رفت و با درایت و نجابت، انگیزه های انسانی و معنوی خویش را برای این پیشگامی بیان نمود و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات، دل در گرو مهر تو دارم و بر آن هستم که اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم.

۸. «علامه ی مجلسی» می نویسد: خدیجه علیهاالسلام یاور راستین و پر اعتبار اسلام بود که پیامبر خدا با وجود او و حمایت بی دریغ و کارسازش از هدف های بلند و آزادیبخش خود آرامش و آسایش می یافت ... و شاید در پاداش این کار سترگ اوست که جبرئیل نزد پیامبر می آید و پیام می آورد که: ای پیامبر! به خدیجه از سوی پروردگارش سلام برسان! پیامبر خدا هم رو به آن بانوی آزادمش می نماید و می فرماید: خدیجه! این فرشته ی وحی است که از سوی پروردگارت به تو سلام آورده است، و آن بانوی دانش و معنویت پاسخ می دهد که: ذات بی همتای خدا سر چشمه ی سلام و ارزانی دارنده ی سلامت است، و سلامت و امنیت از سوی اوست و سلام و درود به بارگاه او باز می گردد. (۱)

و نیز می نویسد: راستی که خدیجه وزیر راستین اسلام، مشاور خردمند و شجاع پیامبر و حمایتگر پر اعتبار او بود. آن حضرت به یاری

ص: ۳۷

او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شد، و با مهر و صفای وصف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت؛

و کانت خدیجه وزیره صدق علی الإسلام، و کان رسول الله یسکن إلیها. (۱)

۹. «فضل بن روزهان» از دانشمندان نامدار اهل سنت می نویسد: «أما فضائل خدیجه فهی کثیره لا تحصی.» (۲)

اما برتری ها و والایی های خدیجه بی شمار و بسیار است...

۱۰. و نیز «سبکی» از بزرگان اهل سنت می نویسد:

«و الذی نختاره و ندین الله به أن فاطمه أفضل من خدیجه»

آنچه در مورد بانوی بزرگ اسلام، خدیجه علیها السلام بر می گزینیم و بدان عقیده داریم، این است که او برترین زنان قریش، سرور زنان عرب، مام ارجمند توحید گرایان و نواندیشان و سالار زنان گیتی است؛ اما ریحانه ی سرفراز پیامبر، فاطمه علیها السلام از او هم برتر و پرشکوه تر است. با این بیان فاطمه علیها السلام دخت ارجمند پیامبر، برترین زن تاریخ بشر است، و پس از او «خدیجه»، برترین زن عصرها و نسل هاست.

۱۱. «قاضی نعمان مغربی» از عالمان اهل سنت می نویسد: «خدیجه» بانوی بزرگ تاریخ - که رضوان خدا بر او باد - همان بزرگ بانویی است که مام ارجمند امامان نور را به دنیا آورد، و پیامبر گرامی با پیام فرشته ی

ص: ۳۸

۱- بحار ج ۱۶/ص ۱۱

۲- دلائل الصدق / ج ۳، ص ۶۴۵ به نقل از: الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره / ص ۳۷۵

وحی بشارت بهشت پرطراوت و زیبای خدا را به او داد. او ثروت بسیارش را در راه حق و عدالت و یاری رسانی به هدف های بلند پیامبر عدالت هزینه کرد، و به راستی محبوب ترین، برترین و گرامی ترین همسر پیامبر در نظر آن حضرت بود. .

او مام ارجمند دخت سرفراز پیامبر، فاطمه علیهاالسلام و دیگر فرزندان آن حضرت و به بیان پیامبر، آرامش بخش دل توفان زدهی او از فشار تاریک اندیشان و استبدادگران بود.

او بانوی قانونمند و حق شناسی بود که در همه ی زندگی مشترک با پیامبر، میان او و آن حضرت جز همگرایی و صفا و عشق و وفا جریان نیافت، و کوچک ترین کدورت و آزردهی پدید نیامد، و در حالی جهان را بدرود گفت که پیامبر از او خشنود و سپاسگزار بود،(۱) و او نیز از آن حضرت خشنود. (۲)

۱۲. «شهاب الدین آلوسی» یکی از مفسران نامدار اهل سنت می نویسد: «ابن عباس» از پیامبر خدا آورده است که فرمود: چهار زن نواندیش و ستم ستیز در زندگی خویش به گونه ای با درایت و شهامت

ص: ۳۹

۱- و این درحالی است که به گواهی آیات قرآن، برخی از زنان پیامبر - که دست بازیگر سیاست بر آن شد که پس از رحلت پیامبر آنان را برتر از خدیجه علیهاالسلام جا زند، در آن شرایط خانوادگی مترقی و پرمعنویت خانه ی پیامبر، نه تنها به این پایه از رشد معنوی و انسانی نرسیدند، که گاه به خاطر نا هماهنگی در اندیشه و منش، مورد عتاب هم قرار گرفتند و خدا به آنان هشدارها داد. در این مورد می توانید به آیه های ۱ - ۴، از سوره ی تحریم، و ۲۸ - ۲۹ از سوره ی احزاب بنگرید.

۲- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار/ج ۳ ص ۲۲.

زیستند و در خشیدند، که سالار زنان روزگار خویش شدند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه؛ « اربع نسوه سیدات سادات عالمهن: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجه بنت خویلد،...» (۱)

۱۳. و «قرطبی» یکی از مفسران بلند آوازی اهل سنت در ترسیم جایگاه بانوی آزادی می نویسد:

«خدیجه بنت خویلد أول من آمن بالله ورسوله، و صدق محمد فیما جاء به عن ربه و آزره علی أمره ..» (۲)

خدیجه علیهاالسلام نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد، و آن برنامه ی اوج بخش آسمانی را که محمد ص از سوی پروردگارش برای مردم آورده بود، با همه ی وجود گواهی نمود و آن حضرت را در راه رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب و محبوب در جامعه یاری و پشتیبانی کرد و در این راه فداکاری و شکیب قهرمانانه ای به نمایش نهاد.

۱۴. و دانشمند دیگری از اهل سنت، ضمن ترسیم شکوه و عظمت آن بانوی تاریخ ساز، در بیان افتخار دیگر او می نویسد:

«و علی نشأ فی بیئ خدیجه و هو صغیر، ثم تزوج بعدها فظهر رجوع أهل البیت النبوی الی خدیجه دون غیرها...» (۳)

ص: ۴۰

۱- روح المعانی / ج ۳ ص ۱۵۵؛ ذخائر العقبی / ص ۴۴؛ در المنثور ذیل آیه ی ۴۲ آل عمران.

۲- الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره / ص ۲۰۴

۳- فتح الباری بشرح البخاری ج ۷ / ص ۱۱۰.

... بدین سان علی علیه السلام از کودکی در خانه ی خدیجه، بزرگ بانوی کمال و معنویت رشد کرد و پس از او با دخت فرزانه اش فاطمه علیه السلام پیوند زندگی مشترک امضا نمود. بر این باور آشکار می گردد که ریشه و اساس خاندان پیامبر، از سوی مادر به خدیجه بازمی گردد و نه به دیگری.

۱۵. «بیهقی» می نویسد: خدیجه و ابوطالب دویار پرنفوذ پیامبر، در یک سال، جهان را بدرود گفتند و با رحلت آن دو، امواج گرفتاری و مصیبت بر پیامبر باریدن نمود، چراکه خدیجه وزیر راستین و کارآمد اسلام و مشاور خردمند و یار شجاع و فداکار پیامبر بود، و او به یاری و حمایت بی دریغ و شهامتمندانه ی خدیجه، از سویی بر مشکلات و موانع چیره می شد، و از سوی دیگر با مهر و صف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت؛(۱) «ثم أن خدیجه و اباطالب ماتا فی عام واحد، فتتابعت علی

ص: ۴۱

۱- آن بانوی هنر و کمال در بدرقه و پیشواز از پیامبر چنین می سرود ج-اء ال-حبیب الذی أهواه من س-ف-ر-*** والش-م-س قد أثرت فی وجهه أثرا. عجت للشمس من تقبیل وجنته ***والشمس لا ینبغی أن تدرک القمر. بحار الانوار ج ۱۶/ص ۴۹. یار محبوبی که بسیار دوستش میدارم از سفر می رسد، و خورشید در چهره ی نورافشانش اثر نهاده است. من از خورشید در شگفتم که چگونه بر آن جمال پر معنویت بوسه زده، با آنکه خورشید را نزیبید که به ماه تابان برسد؟ و نیز این گونه فلو اننی امسیت فی کل نعمه *** و دامت لی الدنیا و تملک الاکاسره. فما سویت عندی جناح بعوضه *** اذا لم یکن عینی لعینک ناظره اگر روزها را غرق در نعمت ها به شب رسانم، و اگر فرمانروایی شاهان ایران و روم همواره از آن من باشد، هنگامی که چشمم تماشاگر چشم نازنین تو نباشد، به اندازه ی بال مگسی برایم ارزش نخواهد داشت.

رسول الله المصائب بهلاك خديجه وابي طالب و كانت خديجه وزيره صدق على الإسلام، وكان رسول الله يسكن اليها» (۱)

۱۶. انبوهی از حدیث نگاران، از جمله «ابن مغزلی شافعی» می نویسد: خدا قرآن را در حالی به پیامبرش فرو فرستاد که خدیجه در کنار آن حضرت و همسنگر و همراه و مشاور و وزیر او بود؛ «أنزل الله على رسوله القرآن و الهدى و عنده خديجه» (۲)

۱۷. «سليمان كتاني» دانشمند نامدار عرب در وصف آن بانوی ستم ستیز و آزادیخواه می نویسد: «خديجه» ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به محمد بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می بخشد؛ بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانمایه ی او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را - که بر همه ی گنجینه های گیتی برتری دارد - به دست می آورد. او احساس می کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر آزادی و مهر هدیه می کند، و در برابر آن سعادت و رستگاری و ماندگاری همه جانبه را به دست می آورد. (۳)

ص: ۴۲

۱- دلائل النبوه / ج ۲ ص ۳۵۲

۲- مناقب علی بن ابی طالب ص ۳۳۶

۳- دخیل / خدیجه علیها السلام ص ۳۲.

۱۸. «علامه ی مامقانی» در وصف او می نویسد: خدیجه همسر جاودانه و همارهی پیامبر است و به راستی مادر شایسته کردار و پرمعنویت مردم با ایمان است. (۱)

و نیز می نویسد: برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه که برترین افتخار و شکوه است، بسنده می باشد که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه اسلام در برابر شرک و استبداد و تاریک اندیشی و تعصب کور، جز در پرتو جاذبه ی پیامبر و منش او، جهاد خالصانه امیرمؤمنان و درایت و ثروت بی کران خدیجه و جهاد مالی او قامت برنیفراشت و گسترش نیافت، که این واقعیت در روایات آمده است؛

«کفاها شرفا فوق شرف ان الاسلام لم یقم إلا بمالها و سیف علی بن ابی طالب کماروی متواترا» (۲)

۱۹. فقیه و مرجع نامدار جهان تشیع، آیت الله خویی در گرامیداشت آن بانوی تاریخ ساز می نویسد: شکوه و عظمت خدیجه، بخشش ثروت بی کرانش در راه خدا و پیشبرد هدف های آزادیبخش اسلام و پیامبر و همراهی و همگامی و فداکاریش در خدمت پیامبر به گونه ای روشن است که ما را از گفتار بیشتر در وصف او بی نیاز می سازد. (۳)

ص: ۴۳

۱- تنقیح المقال / ج ۳ ص ۷۷

۲- تنقیح المقال ج ۳ ص ۷۷ / «فضل النساء».

۳- معجم الرجال / ج ۲۴ / ص ۲۱۵.

۲۰. و از همه جالب تر آن که علی علیه السلام او را بانویی نواندیش و نوگرا و خردمند و استقلال جو و پیشتاز در نماز و نیایش وصف می کند و در بیان نقش ممتاز آن بانوی کمال در راه پیشرفت نهضت آزادی خواهانه ی پیامبر، در سوگ جانسوز او چنین می سراید:

اعینی جودا بارک الله فیکما**علی هالکین لا تری لهما مثلا

علی سید البطحاء وابن رئیسها**وسیده النسوان اول من صلی...

هان ای دو چشم من! باران اشک از آسمان دیدگانم فروبارید! خدا این باران اشک را در سوگ دو یار فداکار اسلام و دو پشتیبان بی همانند پیامبر آزادی بر شما مبارک سازد؛ چراکه آن دو به راستی انسان های بی نظیری بودند.

هان ای دو چشم من! در سوگ غمبار سالار حجاز و فرزند سالار مکه، ابوطالب و نیز در رحلت جانسوز سالار زنان - که نخستین بانوی توحیدگرا و پیشتاز ترین زن در راه آزادی و معنویت بود، و با پیامبر نماز می گذارد و به نیایش می نشست - باران اشک فرو بارید.

بر همان بانوی خودساخته و پاک روش و پاک منشی که خدا سرای او و گرداگردش را پاک و پاکیزه ساخته است؛ بانوی پربرکتی که خدا او را به خاطر نواندیشی و شایسته کرداریش به شاهراه فضیلت ها و والایی ها راه نموده است...

اگر پژوهشگری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب، خدیجه علیهاالسلام و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد، و راز استقلال و آزادی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه ریزی، یگانه سازی نیروهای دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت های مدیریت را در زیباترین چهره اش در منش و روش مترقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت.

مدیریت او افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری و علمی و تجربی، مدیریتی انسانی و آزادمنشانه و عادلانه و مدیریت بر قلبها بود، که مدیریت و کارآفرینی که موضوع این نوشته است . بخشی از شاهکار شگرف اوست.

اسناد روایی و تفسیری و تاریخی بیانگر این حقیقت است که:

۱. دختری اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات

او دختری اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت

گسترده ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد.

پیامبر حق شناسی در نقش فداکاری و ایثار او در پیشرفت معنویت و اخلاق فرمود:

«ما قام و لا استقام الدین الا بسیف علی و مال خدیجه»^(۱)

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهامت و فداکاری علی، و دیگر جهاد و فداکاری اقتصادی خدیجه

بر این اساس است که اندیشمندان در این مورد می نویسند:

«کفاها شرفا فوق شرف ان الاسلام لم یقم إلا بمالها و سیف علی بن ابی طالب کماروی متواترا»^(۲)

برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه - که برترین افتخار و شکوه است - بسنده می باشد که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه‌ی اسلام و ایمان در برابر شرک و استبداد و تاریک اندیشی و تعصب کور، جز در پرتو جاذبه‌ی پیامبر و منش مترقی او، جهاد خالصانه‌ی امیر مؤمنان و ثروت بسیار خدیجه و جهاد مالی او قامت برنیر داشت و

ص: ۴۶

۱- فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد / ۲۵.

۲- تنقیح المقال ج ۳ ص ۷۷ / «فضل النساء».

گسترش نیافت.

و در قدرشناسی از بخشندگی هدفمند و فداکاری هدفدار و جهاد اقتصادی بانوی خردمند حجاز در راه پیشرفت اندیشه‌ی آزادی بخش و انسان پرور دین خدا فرمود:

«ما نفعنی مال قط مثل مال خدیجه» (۱)

هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی ام به هدف‌های والای من بسان ثروت و امکانات «خدیجه» سودبخش و سودرسان نبود.

در جریان محاصره‌ی چند ساله‌ی پیامبر به همراه یاران در دره‌ی ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر و مردم آزادیخواه و به شکست کشاندن تلاش واپسگرایانه‌ی محافظه‌کاران و جریان‌های خمود و خشونت‌گیز، بخشندگی و بزرگ‌منشی ابوطالب و بلندنظری و جهاد اقتصادی خدیجه بود، «وأنفق أبوطالب وخدیجه جمیع مالهما» (۲)

۲. در مدیریت اقتصادی

او در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را، از - میان انسان‌های سالم و امانتدار و درستکار و آزمون شده و ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد و خود از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارتهای را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت

ص: ۴۷

۱- بحار ج ۱۹/ص ۶۳

۲- بحار ج ۱۹/ص ۱۶.

خویش به حرکت می آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می بخشید.

داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش محمدی به کار در کاروان تجارتی اش، و استقبال آن حضرت از آن پیشنهاد در روایات آمده است.

۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت

او، در آن روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می جست، که پیامبر در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی او در این راه چنین فرمود:

«ما رأیت من صاحبه لأجیر خيراً من خدیجه، ما کنا نرجع أنا وصاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبأه لنا» (۱)

من مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کار گزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذای گوارایی را که به اشارهی او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می نمود و با کار گزاران و زیردستان بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد. (۲)

ص: ۴۸

۱- بحار / ج ۱۶ / ص ۱۰.

۲- و با این اندیشه و بینش و منش مترقی است که در خانه و در آغوش مهر و فکرش دختری خداجو و بشردوست و مردمخواه، بسان فاطمه علیها السلام می پرورد که نمونه ی دگر دوستی و محروم نوازی است؛ برای نمونه: ۱. «سلمان» آورده است که: ریحانه ی پیامبر را دیدم که خود به کمک آسیای دستی برای تهیه ی نان، دانه ها را رد می کند و اثر کار و تلاش، بر دستانش برجای مانده است. پس از نثار درود بر او، گفتم: دخت ارجمند پیامبر! در حالی که خدمتگزار خانه ات در کنار شماست، چرا خود را به زحمت می افکنید و این کارها را به او نمی سپارید؟ او در پاسخ، به رهروی آگاهانه و خالصانه از پیامبر خدا توجه داد و فرمود: «أوصانی رسول الله أن تكون الخدمه لها یوما و لی یوما، فکان أمس یوم خدمتها و الیوم یوم خدمتی». بحار ج ۴۳ / ص ۷۶؛ عوالم / ج ۱۱، ص ۲۰۵؛ مجموعه ی ورام / ج ۲ / ص ۲۳۰. پیامبر خدا به من سفارش کرد که کارهای خانه را با خدمتگزار خانه ام تقسیم کنم و بر اساس این تقسیم کار عادلانه و انسانی، یک روز او کارهای خانه را انجام دهد و روز دیگر من! دیروز نوبت او بود و اینک امروز نوبت من است. ۲. و نیز در این مورد آورده اند که روزی پیامبر به خانه ی دخت ارجمندش رفت و او را در حال کار و تلاش دید، اما «فتنه»، شاگرد و خدمتگزار خانه ی او را در حال استراحت! دلیل آن را پرسید، که فاطمه پاسخ داد: «یا رسول الله! علی یوم و علیها یوم»؛ احقاق الحق ج ۱۰ / ص ۲۷۷. ای پیامبر خدا! کارهای منزل را به گونه ای عادلانه تقسیم کرده ام که بر اساس آن، یک روز کار خانه را من انجام می دهم و یک روز او! چرا که ریحانه ی ارجمند پیامبر سبیل عدل و انصاف و آزادی و بشردوستی در همه ی زندگی پر افتخار خویش بود و با آشنا و بیگانه، دوست و دشمن، توانمند و ناتوان، بر اساس عدل و داد و مهر و بشردوستی رفتار می کرد؛ درست همانگونه که قرآن و پیامبر و تربیت خانه و منش مترقی مام ارجمندش نشانگر آن است. ۳. و نیز از آن بانوی پر تلاش و انسان دوست

آورده اند که در مورد کار و کوشش خویش در تدبیر امور خانه و زندگی مشترک، به پیامبر خدا چنین گزارش نمود: «یا رسول الله! لقد مجلت یدای من الریحی، أطحن مره، و أعجن مره:» ای پیامبر خدا! به منظور اداری شایسته ی امور خانه و شئون خانواده، دو دست من بر اثر گرداندن سنگ آسیا پینه بسته است، چراکه یک بار دانه ها را آرد می کنم، و یک بار خمیر، تا نان فراهم آورم. بهجه قلب المصطفی / ج ۱ / ص ۲۷۴. ۴. امام صادق آورده است که: پیامبر خدا دختر فرزانه اش را دید که با پوشیدن لباس کار، با یک دست دانه ها را آسیا می کند و با دست دیگر، فرزندش را شیر می دهد. از دیدن آن منظره، باران اشک فروبارید و فرمود: دخترم! تلخی دنیا را بچش تا شیرینی نعمت های آخرت را دریابی او گفت: من خدا را به خاطر نعمت های بی کرانش سپاس میگویم، و آنگاه بود که این آیه فرود آمد که: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ*» ضحی / آیه ی ۵. و به زودی پروردگارت آنقدر نعمت ارزانی ات دارد که شادمان گردی. بحار ج ۴۳ / ص ۱۸۶ عوالم العلوم اج ۱۱، ص ۲۶۷؛ نور الثقلین اج ۵ ص ۵۹۵.

۴. اصل نظارت و کنترل در مدیریت

برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و مترقی خویش از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه ها و مدیران و کارکنان خویش بهره می جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت، و هم کارهای انجام شده را به صورت دقیق و پیگیر مقایسه می نمود، و هم در صورت لزوم، اصلاحات لازم را اعمال می کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه ها و برنامه ها و هدفها پیش می آمد جلوگیری کند.

داستان گماشتن «میسره» یا ناظر و بازرس ویژه اش به نظارت بر منش

ص: ۵۰

و رفتار محمد ص و دستور تهیه ی گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او، در اسناد تاریخی آمده است، که در درایت و مدیریت او، آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است

۵. شناخت زمان و مکان و شرایط بازار در پرتو آگاهی و مشاوره

او در برنامه ریزی از مشاوران کاردانی بهره می جست و چنان بود که انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، به گونه ای تنظیم و تدبیر می کرد که شگفتی همگان را بر می انگیزد و کاروان بزرگ تجارتنی اش همواره در راه بود، و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می رفت، و سودی سرشار و عادلانه با خود می آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و نیز دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن روزگاران آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی اش را به یاد داشته باشیم، و اگر زنده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آنگاه اداره ی چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله ی یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی او، ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده ی او رهنمون می شود و

در می یابیم که به راستی او در آن روزگاران، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود.

دانشمند و روشنفکر عرب، دکتر محمد عبده یمانی، وزیر فرهنگ پیشین سعودی و برادر «زکی یمانی» وزیر نفت سابق آن کشور در کتاب خویش^(۱) در وصف ایمان و اخلاص و شهامت و عظمت روحی و درایت و مدیریت و فداکاری خدیجه از جمله چنین می نویسد: خدیجه، این بانوی آگاه و پاک سرشت که حق گرای، فضیلت طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی هایش بود، از همان روزگار جوانی، یکی از دختران نامدار و بافضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت.

او در جهان عرب نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی و یک مدیر توانمند و کارآفرین با درایت و معنویت آمده است.

و نیز می نویسد: این بانوی بزرگ، نه تنها انسانی پیشتاز و رشد یافته و

ص: ۵۲

۱- او در مورد خاندان پیامبر کتاب هایی نوشته است، که از جمله: حقوق اهل بیت؛ خدیجه علیهاالسلام همسر پیامبر، و فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر، ترجمه ی سه عنوان از سه کتاب اوست.

آراسته ی به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود، که فرشته ای پرشکوه را در سیمای انسان می نمود.

او از شهامت و عظمت روحی و فکری وصف ناپذیری بهره ور بود. آیا در مورد هم اندیشی، همگرایی، همگامی و همراهی اندیشمندانه و دلیرانه ی او با پیامبر آزادی و عدالت، آن هم در آن شرایط تیره و تاریک روزگار پیش از بعثت اندیشیده اید؟ راستی چگونه این بانوی فداکار و آزادمنش پیش از بعثت محمد ص و پیش از آشکار شدن شکوه و عظمت آن حضرت و آینده ی درخشانش، گویی بسان او می اندیشید و از استبداد و انحطاط و کجروی و نادانی جامعه و دنیای خویش رنج می برد و راهی تازه و جامعه و جهانی نو و شرایطی آزاد و آباد و مردمی آگاه و عدالت جو و بامعنویت می جست؟

او در راه همگامی و همراهی با پیامبر، خطرهای حکیمانه می نمود و فداکاری هایی شجاعانه می کرد؛ برای نمونه او با آن ثروت و اعتبار، خود از خانه ی خویش - که نزدیک «مسجد الحرام» بود - راه می افتاد و با پیمودن مسافت زیادی تا کوه «حرا» می رفت و با بالا رفتن از دامنه ی کوه، برای پیامبر آب و غذا می برد و او را در راه اوج و عرفان و نیایش و معنویت و به دوش کشیدن بار گران رسالت و به اهتزاز در آوردن پرچم نجات و رستگاری بشریت یاری و همراهی می کرد؟ (۱)

ص: ۵۳

و نیز در کتاب دیگرش در بیان نقش تاریخ ساز و مترقی خدیجه علیهاالسلام او را مام گرانمایهی توحیدگرایان و کمال جویان، همسر و همتای لایق پیامبر محبوب و شریک دغدغه ها و هدف های او، و مادر دعوت

نجات بخش اسلام عنوان می دهد. (۱)

علامه ی قزوینی در این مورد می نویسد: مام گرانمایه ی فاطمه علیهاالسلام، بانوی نوگرا و ارجمندی است به نام خدیجه علیهاالسلام؛ بانویی سپید چهره، بلند قامت و زیبا که در میان جامعه و مردم، سخت پرشرافت بود، و در کارها بسیار خردمند. از هوش و درایت، بهره ای بزرگ داشت و در شئون زندگی از بینشی ژرف برخوردار بود. در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خود می زیست و به برکت مغز هوشمند خود، چرخهای اقتصادی و تجاری گسترده ی خود را به حرکت آورده و به مقررات و مدیریت اقتصادی و کارآفرینی آگاه و کوشا بود.

اینها از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان است. اما صفات برجسته ی او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک، او بانویی بود که ثروت هنگفت خود را به شوی گرانقدرش بخشید تا در راهی که می پسندد به کار گیرد. بی هیچ تردیدی سرمایه ی عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه ی جدید نقش اساسی داشت؛ چراکه اسلام در حال شکل گرفتن، نیاز به

ص: ۵۴

امکانات اقتصادی داشت، و خدا بر اثر درست اندیشی و اخلاص خدیجه علیه السلام، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا ساخت، و با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و نواندیشان همراه او در آن مرحله ی حساس، هدف پیامبر که برپایی پایه های عدالت و آزادی بود استوار شد. به همین جهت هم پیامبر فرمود: هیچ ثروتی، بسان ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد.

ما نفعنی ما قط مثل ما نفعنی مال خدیجه.»(۱)

پیامبر با بهره گیری از ثروت خدیجه ما، ضمن پرداخت وام وامداران، بردگان را آزاد و به درماندگان کمک می کرد. بار را از دوش آنان بر می داشت، و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن مال پرسعادت به هر اندازه لازم بود، هزینه می کرد و زیر بال محرومان را می گرفت. او هنگامی که در مکه بود به یاران آزادیخواه، اما تهی دست و زیر فشار، کمک می کرد و امکانات هجرت مهاجران را فراهم می نمود. او در حیات درخشان آن یار فداکار آنچه صلاح می دانست از دارایی اش هزینه می کرد و پس از رحلت او نیز آن را خود و فرزندانش به ارث بردند.(۲)

به همین جهت است که سخن جاودانه ی پیامبر مفهوم روشن خود را پیدا می کند که فرمود: اسلام پس از جاذبه ی مفاهیم و معنویت مقررات

ص: ۵۵

۱- سیما و سیره ی ریحانه ی پیامبر ص ۸۶ از همین قلم.

۲- امالی طوسی / ج ۲ / ص ۸۲

خود، با شجاعت و شمشیر عدالت طلب علی، و دارایی خدیجه، در برابر فشار استبداد برپای ایستاد و استواری یافت. «ما قام ولا أستقام الدين إلا بسيف علي و مال خديجه.»

زندگی و همگامی این بانوی بزرگ با پیامبر، در خور هرگونه تحسین است. به همین دلیل آن حضرت پس از رحلت او نیز هرگاه نام بلند آوازه اش به میان می آمد، برایش طلب آموزش می کرد و قلب مصفایش به یاد او می شکست و در اندوه آن یار مهربان و فداکار اشک می ریخت.

روزی آن حضرت از خدیجه علیه السلام همانند همیشه، با عظمت بسیار یاد کرد که عایشه گفت: او بانویی سالخورده بود و خدا بهتر از او به شما داده است! اما پیامبر حق شناس فرمود: هرگز، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد که مردم به من کفر ورزیدند، و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم مرا در دعوت آسمانی ام دروغگو شمردند، و آنگاه مرا در دارایی هنگفت خویش شریک ساخت، که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند، و خدا فرزندان ارجمند از آن بانوی پاک روش به من ارزانی داشت. (۱)

دانشمند شهیر عرب، بانو «قراعه» می نویسد: تاریخ در برابر شکوه و عظمت «أُمّ المؤمنین» خدیجه علیهاالسلام سر فرود می آورد و در برابر او با نهایت فروتنی می ایستد و نمی داند که نام این بانوی بزرگ جمال و کمال را در

ص: ۵۶

کدامین فراز بلند خویش به ثبت برساند.

و نیز پزشک دانشمند «دکتر سعیده کرمی» در این مورد می نویسد: بیست و پنج بهار از عمر پربرکت پیامبر می گذشت که با خدیجه - که برترین و والاترین دختر حجاز بود - پیمان زندگی مشترک بست، و فصل تازه ای در زندگی شان آغاز شد. (۱)

ازدواج پیامبر با خدیجه علیهاالسلام در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بی سابقه بود؛ چراکه این پیوند مبارک نه ثمره ی عشق زودگذر بود، و نه برخاسته ی از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اهداف رایج، که در ازدواج چهره های سرشناس وجود دارد. هدف های سیاسی نیز در امضا و تشکیل این زندگی و ساختار آن نقشی نداشت.

افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و خدیجه نیز با یکدیگر تناسبی نداشت، چراکه پیامبر دارای امکانات اقتصادی نبود، و همانگونه که دوران کودکی را در کنار عمویش زندگی کرده بود، باز هم با او می زیست، اما خدیجه ثروتمندترین دختر جهان عرب بود؛ به همین

ص: ۵۷

۱- نساء محمد صلی الله علیه و آله ص ۳۸ برخی عمر آن دختر هوشمند و پاک منش را میان ۲۸ تا سی سال نوشته اند، اما مشهورترین دیدگاه آن است که او به هنگام ازدواج با پیامبر، چهل بهار از عمرش می گذشت. برخی بر آنند که وی پیش تر ازدواج کرده و همسرش از دنیا رفته بود، اما آخرین پژوهش های تاریخی و حدیثی بر آن است که وی دوشیزه و سی ساله بود. فروغ آسمان حجاز خدیجه علیهاالسلام / ۱۴۰.

جهت فاصله ی زیادی میان سطح زندگی پیامبر و او می نگریم، اما آن دخت کمالجو نیک می دانست که آینده ی درخشان و امید بخشی در انتظار آن جوان آزادمنش و نواندیش است. شاید این راز را از «میسره» غلام هوشمندش دریافته بود که در سفر پیامبر با کاروان تجارتی اش، همسفر او بود و نشانه های بسیاری از شکوه و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به دخت خردمند حجاز، منعکس نموده بود؛ یا آنکه پیشگویی آن راهب دیر «بصری» در شام، در مورد آینده ی شکوهبار محمد به گونه ای به گوش «خدیجه» رسیده، و او نیز در پرتو ژرف نگری و الهام قلبی به آن دل بسته بود. (۱)

۶. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی

او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته اش - که پاکروشی و پاک منشی و راستی و درستی و عدالتخواهی و ستم ستیزی بود - گام بر می داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی، سود نمی جست و در آمد نمی خواست. هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان روزگار ما، تجارت را به عنوان وسیله ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما ظالمانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی پسندید. هرگز در اندیشه ی سودجویی و

ص: ۵۸

منفعت طلبی های فردی و شخصی و بی رویه و بی ضابطه و به بهای فقر و فلاکت و اسارت و نگونسازی جامعه و مردم خویش نبود، بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی اش به دور از هر گونه تخلف اقتصادی و پاک از هر نوع آلودگی های مالی و به دور از هر گونه درآمدهای باد آورده و ظالمانه و پاک از انواع رانت ها باشد، و راهی برای رشد و گامی برای پیشرفت جامعه و دنیای خویش گردد.

از این زاویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگارش، او از احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، از رباخواری و بهره کشی های ظالمانه ی رایج و از هر نوع حرام خواری مرئی و نامرئی و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت و دارایی دوری می جست، و کار پر شرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راههای مشروع و عادلانه ی تجارت و صادرات و واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند، نه از هر راهی.

۷. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای

آن بانوی هوشمند و کارآفرین، به دلیل همین بینش زیبا و منش

مترقی و ویژگی های اخلاقی و انسانی و مدیریت و مهارت خردمندانه نیز نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب نموده بود، که اطمینان بازارهای منطقه ای را نیز به دست آورده، و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم می شود، و آنگاه موفقیت بود که از پی موفقیتی دیگر و سود سرشار بود که از پی سودی سرشارتر می رسید، و کاروانهای تجاری خدیجه بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می گرفت! چراکه او در خوشنامی و صداقت و امانت و جلب اعتماد، گوی سبقت را از همگان ربوده بود. (۱)

۸. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع

برابر اسناد موجود، خدیجه علیهاالسلام مدیری آگاه و دلسوز و کارآفرین بود.

به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه، آنان را به کار می گماشت.

او برخی را که دارای روح ابتکار و استقلال بودند، با اعطای سرمایه و تسهیلات، باقر اردادی شبیه مضاربه به همراه کاروان خویش می فرستاد، و برخی را به صورت کارمند و کارگزار به کار می گماشت.

از این راه در درجه ی نخست، بر مال حلال خویش می افزود و در درجه ی دوم، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می کرد و

ص: ۶۰

در درجه ی سوم، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می کرد و برای آنان فرصت کار و اشتغال و درآمد می آفرید، و در درجه ی چهارم، نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می ساخت، و بهتر و مطلوب تر از همه به ندای استقلال طلبی و آزادمندی و آزادیخواهی و ستم ستیزی و ناسازگاری خویش با روند ظالمانه ی روزگارش پاسخ می داد.

اگر شرایط رباخواری آن روز جهان عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این بلا و این آفت بزرگ اجتماعی و اقتصادی و روانی و اخلاقی رفته است، آنگاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش فکر و روح خلاق و مبتکر او پی می بریم و با درایت و مدیریت تحسین برانگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی و پیشرفت آگاه می گردیم.

برای نمونه، در برخی از اسناد تاریخی و روایی در مورد مدیریت و کارآفرینی خدیجه و خدمات بشردوستانه ی او، از زبان یکی از عموهای پیامبر در روزگار نوجوانی آن حضرت که جویای کار با شرایطی از ادمنشانه و تسهیلاتی بدون منت بود، چنین آمده است:

«امضوا بنا إلی دار خدیجه بنت خویلد حتی نسألها أن تعطي محمداً مالاً یتجر بها» (۱)

ص: ۶۱

باید به خانه ی خدیجه برویم و از او بخواهیم که سرمایه و تسهیلاتی در اختیار محمد قرار دهد تا وی با آن تجارت نماید.

۹. یک کارآفرین با معنویت و بشردوست

اسناد تاریخی و روایی نشانگر آن است که درایت و مدیریت تحسین برانگیز خدیجه علیهاالسلام در اقتصاد و تجارت، او را به اوج شهرت رسانده، و درست اندیشی و درست رفتاری و امانت او، وی را در سیمای کارآفرینی بامعنویت و شایسته کردار و بشردوست و خدمتگزار نیروی کار، در مکه و حجاز شهره ساخته بود.

بی جهت نیست که وقتی فردی سرشناس و برجسته و آراسته ی به بلندنظری و شهامت و مناعت طبع، همانند ابوطالب در تلاش یافتن فرصت کار و امکان اشتغال در جایی پر اعتبار و سالم برای برادرزاده ی جوان و ارجمند خویش است، پیش از هر جا و هر کار و هر مؤسسه ای، از تشکیلات اقتصادی و تجاری دخت فرزانه ی حجاز آگاهی و مدد می جوید، و زمانی که به خاطر خوشنامی خود و خاندانش، بی درنگ پاسخ مساعد دریافت می دارد، به برادرزاده ی ارجمندش می گوید: محمد جان! برابر پیشنهادی که دریافت داشته ام، مؤسسه ی اقتصادی و بازرگانی خدیجه، در اندیشه ی یافتن مردی هوشمند و کارآمد و آراسته ی به اخلاق نیک و امانت است تا مدیریت کاروان بزرگ او به سوی شام را بر عهده ی وی بسپارد، به باور من فرصت خوبی است که

شما خود را به آن مؤسسه و مدیریت موفق آن معرفی نمایی و برای این کار اعلام آمادگی کنی. (۱)

محمد با پیشنهاد عمومی گرانقدرش موافقت نمود، و در این اندیشه رفت که چگونه میان مناعت طبع و روح بلند خود از یک سو، و از سوی دیگر با درخواست کار از خدیجه، بدون هیچ آشنایی چهره به چهره و سابقه ی قبلی با مؤسسه ی او، هماهنگی برقرار سازد؟ هنوز در اندیشه ی حل این معما بود که پیک خدیجه از راه رسید و در پیگیری گفتگوی ابوطالب در این مورد، محمد ص را برای آشنایی و مذاکره دعوت نمود.

محمد ص با فرستاده ی خدیجه به گفتگو نشست و او ضمن دعوت وی به کار، خاطر نشان ساخت که: نیروی کار برای ما فراوان است، اما آنچه مدیریت این مؤسسه ی تجاری را به تو علاقمند ساخته و در اندیشه ی عقد قرارداد و سپردن مدیریت کاروان بزرگ بازرگانی خدیجه به سوی شام با محمد است، همان گوهر اخلاق و معنویت و راستی و امانت و درستی و پاک منشی و شیوهی شایسته و خوشنامی او در زندگی است.

محمد ص جریان را با عمومی فرزانه و دلسوز خویش ابوطالب در میان نهاد و او گفت:

ص: ۶۳

این رویداد خوش، وسیله و راهی است برای اشتغال و درآمد زندگی که خدای مهربان آن را به سوی تو روان ساخته است.

محمدی پس از ترغیب فرزانه ی قریش، به سوی مرکز تجاری خدیجه رفت و ضمن دیدار با او و شنیدن شرایط و مقررات کار و حقوق و مزایای آن، دریافت که مدیریت بازرگانی خدیجه حاضر است دو برابر

حقوقی که به دیگران می دهد به محمد پردازد، و دو غلام خویش را نیز برای انجام فوری و دقیق تصمیمات او، از آغاز تا انجام سفر تجاری به همراه او گسیل دارد.

و او نیز پس از مساعد و مطلوب دیدن شرایط و مزایا و منش و رفتارها، آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشت.

چیزی نگذشت که کاروان بزرگ تجاری قریش به سوی شام حرکت کرد، و کاروان خدیجه و کالای متنوع و مرغوب او نیز در قالب آن به راه افتاد. آن بانوی مدیر و کارآفرین افزون بر کالای کاروان، مرکبی راهوار و مقداری کالای ارزشمند نیز جدا از کالای کاروان در اختیار مدیر بازرگانی خویش قرار داد، و به دو تن از چابک ترین و باهوش ترین و ادب آموخته ترین غلامان خود نیز دستور داد تا در همه ی مراحل کار و سفر گوش به فرمان محمد اله باشند، و هر آنچه نیز از او دیدند در

ص: ۶۴

خاطرات خویش بنویسند و به هنگام بازگشت به مدیریت مؤسسه بدهند.

جالب است که کاروان رفت و با موفقیت و سودی رضایتبخش بازگشت و در همین نخستین سفر بود که درایت و امانت محمد درخشید، و ابتکارات او کارساز گردید و در نتیجه سود تجاری سرشاری را نصیب کالا و کاروان خدیجه نمود.

افزون بر آن سند درایت و هوشمندی و قدرت ابتکار و توانایی محمد، گزارش دو فرستاده ۲ی خدیجه، یکسره از امانت و معنویت و منش مترقی و ادب و اخلاق او خبر داد، و دخت ارجمند حجاز را برای همیشه شیفته ی اندیشه ی والا و منش زیبا و امانت و درستی او ساخت.

۱۰. کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی نزدیکان

آن بانوی خرد و مدیریت، نه تنها در کارآفرینی و ایجاد حرفه و اشتغال و راه درآمد برای دیگران پرتلاش و موفق بود، بلکه توانست شماری از نزدیکان و اطرافیان خویش را نیز به گونه ای زیرپر و بال خود بگیرد که هم راه معیشت و درآمد و زندگی آبرومندانه ی آنان را تأمین کند، و هم زمینه ی مناسب و فضای مساعدی را برای تغذیه ی فکری و فرهنگی و اخلاقی و انسانی آنان فراهم آورد تا آنان در آن فرصت و فضای آزاد و آرام، امکان یابند فارغ از غم کار و نان و پناهگاه و امکانات

ص: ۶۵

زندگی، بیندیشند و تربیت شوند و راه زندگی را چنان برگزینند که به صورت انسانهایی خوش فکر و کمال طلب و آزادمنش سربر آورند. نمونه هایی از آنان خواهرزاده ها و فرزندخوانده هایش «رقیه»، «زینب» و «هند» هستند،^(۱) که همگی به برکت مراقبت و مدیریت خدیجه، راه شایستگی را انتخاب کردند و خوش درخشیدند؛ برای نمونه:

الف. «هند» یکی از خواهرزاده های «خدیجه» است، که فرزندخواندهی او هم بود.

وی در خانه و در قلمرو مراقبت و حمایت و آموزش و مدیریت او تربیت شد و به گونه ای در خودسازی و ایمان و ادب رشد نمود که در ردیف یاران بزرگ پیامبر به شمار آمد؛ به ویژه که این سعادت را داشت که از بینش و منش پیامبر نیز در فرصتی بسیار بهره ور گردد.^(۲)

او همان جوانمردی است که در شب تاریخی هجرت از مکه به سوی مدینه، پیشوای آزادی را با شهامت و اخلاص تا غار «ثور» همراهی نمود و به فرمان او به مکه باز آمد.

او یک شب پس از هجرت پیامبر ص، به همراه امیرمؤمنان به طور نهانی به دیدار پیامبر گرامی در غار رفت و به دستور او موظف گردید که به همراه علی علیه السلام مرکب و وسایل سفر آن حضرت برای هجرت را با

ص: ۶۶

۱- تنقیح المقال ج ۳، ص ۷۷

۲- بحار ج ۱۶ / ص ۱۴۸: اسد الغابه / ج ۵ ص ۷۲؛ سیره ی ابن هشام ج ۱ / ص ۱۸۷.

این تربیت یافته‌ی مکتب خدیجه علیهاالسلام پس از رویداد تاریخساز هجرت در هوای آموزه‌های رهایی بخش اسلام و پیامبر آزادی به مدینه شتافت و در صف آزادیخواهان و ستم ستیزان، در «بدر» و «أحد»، مبارزه‌ها و فداکاری‌های خدایندانه و تحسین برانگیزی نمود.

او پس از رحلت پیامبر در غوغای انحصارگری و خشونت تشنگان قدرت - که خود را شیفته‌ی خدمت جا می‌زدند - راه درست هدایت را گم نکرد، بلکه در کنار ستم‌خواران و ستم‌خیزان، در «جمل» به شهادت رسید. (۲)

ب. «حارث»، نمونه‌ای دیگر از تربیت یافتگان خدیجه علیهاالسلام بود.

او نیز بر اثر آموزش و عملکرد و مدیریت و مراقبت بانوی آزادی و معنویت به شاهراه راستی گام نهاد و بر اثر خودسازی و خودشکوفایی و مراقبت به گونه‌ای درست اندیشید و نیک رفتار نمود و خوش درخشید که نه تنها در زندگی، موفق و نیکومنش گردید که جان شیرین را در طبق اخلاص نهاد و به بارگاه خدای خویش هدیه کرد و به بیان برخی از پژوهشگران، او نخستین شهید راه عدالت از مردان مسلمان گردید.

ج. از دیگر پرورش یافتگان مکتب مترقی و منش و مدیریت

ص: ۶۷

۱- سفینه البحار ج ۲ ص ۷۲۵ / واژه‌ی «هند».

۲- تنقیح المقال / ج ۳ ص ۳۰۵؛ أسد الغابه / ج ۵ / ص ۷۱.

انسان پرور بانوی تاریخ ساز اسلام و عرب، خدیجه علیهاالسلام دختری است به نام «هند» که از خواهرزاده ها و فرزندخوانده های اوست.

او در کنار دخت خردمند حجاز به گونه ای به آگاهی و رشد راهنمایی شد که پس از طلوع اسلام و بعثت پیامبر گرامی بر اثر آن مایه های تربیتی و مهندسی روحی و معنوی، به سوی حق و عدالت گرایید و به گونه ای خود را ساخت و به خود شکوفایی نائل آمد که در شمار یاران بزرگ پیامبر و یکی از بانوان نواندیش و بامعنویت و پروا به حساب آمد.

بار خدایا، ما را از فرزندان شایسته ی آن مام پرمعنویت و اخلاص قرارده و در این سرا و سرای بازپسین سرفرازمان فرما؛ آمین
ربا العالمین.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

قم/ دفتر فرهنگ و اندیشه

تابستان ۱۳۸۶ علی کرمی فریدنی

ص: ۶۸

۱. ظهور و سقوط تمدنها از دیدگاه قرآن / چاپ پنجم / ۶۰۰ صفحه / نسیم انتظار
۲. عاشورا غمبارترین روز تاریخ / ۳۶۰ صفحه / چاپ چهارم / نشر مرتضی.
۳. فاطمه علیهاالسلام از ولادت تا شهادت / ترجمه و نگارش / ۹۰۰ صفحه / چاپ دهم ترجمه ی برگزیده ی سال ۱۳۸۵ با رتبه ی اول در همایش اهل قلم
۴. اولین تاریخ کربلا / ترجمه و نگارش / ۴۸۰ صفحه / چاپ سوم.
۵. جویندگان امام مهدی / ۴ جلد / ۱۵۰۰ صفحه / دفتر نشر حاذق. . ویژگی های امام حسین / ترجمه ی الخصائص الحسينیه / چاپ هشتم / نشر حاذق.
۱۰. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور / ۸۳۰ صفحه / چاپ هفتم
۱۱. امام علی علیه السلام از ولادت تا شهادت / ۶۷۲ صفحه / چاپ چهارم / نشر دلیل ما
۱۲. نگرشی نو بر سیما و سیره ی ریحانه پیامبر ۸۳۰ صفحه / چاپ چهارم.
۱۳. در سوگ امیر آزادی، ترجمه ی «مثیر الأحران» ۴۶۰ صفحه / چاپ دوم.
۱۴. در رواق چشم های اشکبار، ترجمه ی «لهوف» / ۳۲۰ صفحه / چاپ دوم.
۱۵. فاطمه علیهاالسلام در سوگ عدالت / ترجمه ی بیت الأحران / چاپ دوم.
۱۶. واژه های قرآن در ترجمه ی مجمع البیان / چاپ سوم.
۱۷. جلوه های عزت و آزادگی در نهضت امام حسین / ۳۲۰ صفحه.
۱۸. فروغ آسمان حجاز خدیجه علیهاالسلام / ۵۸۵ صفحه / چاپ چهارم / دفتر نشر نسیم انتظار / کتاب برگزیده، در دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن.

۱۹. نسیم بهشت / گزیده‌ی فاطمه علیهاالسلام از ولادت تا شهادت / گزینش و نگارش: دکتر سعیده کرمی / چاپ پنجم / دفتر نشر نسیم انتظار.

۲۰. ترجمه‌ی مجمع‌البیان / ۳۰ جلد / انتشارات فراهانی.

۵۰. منشور دادخواهی با نگاهی نو بر خطبه‌ی معجزه‌آسای فاطمه علیهاالسلام / ۵۸۰ صفحه / چاپ اول / نشر دلیل ما

۵۱. تفسیر بیان / گزیده‌ی ترجمه‌ی مجمع‌البیان / ۳۰ ج / گزینش / دکتر بیستونی.

۸۱. آموزه‌هایی از پیامهای تاریخی قرآن / ۳۵۰ صفحه / دلیل ما

۸۲. گهرهای درخشان از برترین‌های روزگاران / چاپ دوم.

۸۳. جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه / چاپ سوم / دلیل ما.

۸۴. اندیشه‌ی آزادی در نهج‌البلاغه / ۲۲۰ صفحه / چاپ دوم / دفتر نشر نسیم انتظار.

۸۵. پرتوی از پیام پیامبر یا برگردانی تازه از نهج‌الفصاحه / چاپ هشتم.

۸۶. قرآن با ترجمه‌ی دقیق و زیبای استاد کرمی فریدنی / ترجمه‌ی برگزیده‌ی سال ۱۳۸۵ با رتبه‌ی اول در همایش اهل قلم / چاپ دوم.

۸۷. فرهنگی از آموزه‌های محمد عید یا نهج‌الفصاحه با ترجمه و ساماندهی موضوعی ۹۰۰ صفحه / چاپ اول / نشر دلیل ما.

۸۸. زینب علیهاالسلام از ولادت تا شهادت / ترجمه و نگارش / ۶۰۰ صفحه / چاپ دوم.

۸۹. بانوی آفتاب / گزینش و نگارش / به کوشش معصومه فرهادی و مسعوده کرمی. ۲۷۲ صفحه / چاپ سوم / نسیم انتظار

۹۰. داستان فرود یک‌آیه / یا گزارشی از آن گردهمایی تاریخ ساز ۱۴۴ صفحه

گزینش و ساماندهی خانم فرهادی / دفتر نسیم انتظار.

۹۱. نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه علیهاالسلام / چاپ دوم / ۱۴۴ صفحه.

۹۲. آخرین پیام از اولین امام با نگاهی تازه به وصیت نامه ی امام علی / نشر نسیم انتظار / کتاب برگزیده ی سال ۱۳۸۶ با رتبه ی اول در همایش اهل قلم

۹۳. زلال جاری نماز در آینه ی قرآن و روایات / ۲۲۴ صفحه / چاپ سوم.

۹۴. دورنمایی از زندگی امام حسن علیه السلام / ۴۸۰ صفحه / چاپ دوم / دفتر نسیم انتظار

۹۵. فرجام پرشکوه تاریخ و آینده ی جهان / نشر نسیم انتظار.

۹۶. آخرین سفارش پیشوایان / دفتر نشر نسیم انتظار.

۹۷. نگاهی تازه به سیره و سخن امام علی علیه السلام / دفتر نشر نسیم انتظار.

۹۸. گرامیداشت قلم و آزادی و مسئولیت آن / دفتر نشر نسیم انتظار.

۹۹. زیباترین الگوی زندگی / ۱۹۲ صفحه / چاپ اول / نسیم انتظار.

۱۰۰. نگاهی نو به زندگی امام جواد علیه السلام / ۲۸۰ صفحه / چاپ اول / نشر نسیم انتظار

۱۰۱. نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیهاالسلام / نشر نسیم انتظار

برای تهیه ی این کتاب ها:

۱. قم / دفتر فرهنگ و اندیشه ۲۹۲۳۶۷۲ - ۱۲۵۱ ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳

۲. قم / دفتر نشر نسیم انتظار ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ ۰۹۱۲۲۵۳۴۸۴۳

۳. قم / خیابان صفائیه / کوچه ی ممتاز پلاک ۷۵ / ۷۷۴۹۱۱۴ - ۰۲۵۱

ص: ۷۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

